

تاریخ مہر در ایران



تألیف
ملکرا دہ بیانی



اشارات يزوان
بها: ۳۰۰ ریال



مجله سیرت

1	2	3	4
5	6	7	8

۱۱۱

۵۷۲۷۲. ۱

کتابخانه شخصی

تاریخ مُهر در ایران

«از هزارهٔ چهارم تا هزارهٔ اول»

تألیف

ملک زادهٔ بیانی

جلد نخست

تاریخ مُهر در ایران
تألیف — ملک زاده بیانی

چاپ اول ۱۳۶۳

انتشارات یزدان — خیابان بولوار کشاورز، شماره ۲۳۸ تلفن ۶۵۶۶۱۶
تمام حقوق محفوظ است.

چاپخانه کیهانک: تیراژ ۳۰۰۰ جلد

به یاد پدر و مادرم

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۷	سرآغاز
۱۱	فصل اول- پیدایش مُهر
۱۹	فصل دوم- (هزاره چهارم پ-م) کهن ترین مُهرها
۳۳	فصل سوم- (هزاره چهارم تا اوایل هزاره سوم پ-م) دوره آغاز شهرنشینی
۳۴	سفال سازی
۳۵	نخ ریزی و پارچه بافی
۳۷	نانوائی
۳۸	آلات موسیقی و تهیه وسایل آرایش
۳۹	فن معماری
۴۵	کشتی سازی

۴۹	فصل چهارم
	امور روستائی
۵۱	جمع آوری غلات
۵۲	میوه چینی
۵۲	گله داری
۵۷	فصل پنجم
	بکار و صید
۶۳	فصل ششم (اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم پ-م)
۷۹	فصل هفتم (اواسط هزاره سوم و هزاره دوم پ-م)
۱۰۵	فصل هشتم
	کاسیان
۱۱۳	فصل نهم (اوایل هزاره اول پ-م)
۱۱۵	مارلیک
۱۱۷	حسنلو
۱۱۸	زیویه
۱۲۱	فصل دهم
۱۲۴	کلاه
۱۲۵	آلات موسیقی
۱۲۶	آلات نوازندگی
۱۳۰	ضمیمه
۱۳۳	نتیجه ۹۱-۹۲

سرآغاز

از جمله آثاری که سهم بارزی در شناسائی فرهنگ و تمدن و بسیاری از مسائل گوناگون ادوار کهن ایران زمین داشته است، و تشخیص و تحقیق آنها مجهولات بیشماری را مرتفع میسازد، آثار کنده کاری و مُهرها است. کنده کاری اولین اثر هنری انسان بدوی است که بوسیله آن تلاش نموده که خواسته های مادی و ظاهری و امیال و محسوسات روحی و فکری خود را بصورتی ساده تا آنجا که برای او با وسائل و امکانات محدود مقدور بوده است منعکس کند.

انسان پیش از تاریخ در اثر دگرگونی های طبیعی و شرایط مناسب اقلیمی که در منطقه سکونت او پدید آمد

از مأوی و مسکن خود که پناهگاه‌های سنگی و غارها بود دست کشید و سکونت در دشت را آغاز کرد^۱. بدون تردید این تغییر و تحولی که در زندگی مردمان اولیه بوجود آمد، در تمام نقاط یکسان نبود، و از حدود هزاره هشتم تا هزاره هفتم پ.م. دسته‌های کوچک برای دست یافتن به محل مناسبتری در حرکت بودند تا سرانجام افراد و اجتماعات در محلی که بنابر تشخیص آنان دارای آب و هوا و وضع طبیعی مساعدی بود، مستقر شدند.

جوامع اولیه در پایان دوران نوسنگی در هزاره ششم پ.م. و اوایل هزاره پنجم پ.م. باشکيبائی و تشریک مساعی افراد خانواده با یکدیگر بنابر غریزه طبیعی برای ادامه حیات و سعی در بهتر زیستن به تدریج در رفع بسیاری از مشکلات و معضلات زندگی گامهای مؤثری برداشتند. با پیشرفت تمدن و انقلابات مدنی از قبیل خانه‌سازی و اهلی کردن حیوانات و

۱- یکی از کهن‌ترین جایگاههای سکونت در دشت فلات ایران، (سیلک) کاشان است که ضمن کاوشهای پایه تپه، آثار و علائم سکونت از این دوران بدست آمده است. در حوالی دهلران آثار خانه‌های گلی از هزاره هفتم پ.م. و در چغامیش (خوزستان) و تپه یحیی (کرمان) نیز آثار سکونت اولیه کشف شده است.

فعالیت های کشاورزی و صنعت سفال سازی و کوزه گری و نخ ریزی و پارچه بافی و ساختن ابزارهای مختلف سنگی و استخوانی حتی لوازم زینتی ارتباط بین اقوام و ملت ها بیشتر شد، و در نتیجه معاملات و دادوستد توسعه پیدا کرد.

حس زیبایی شناسی بشر او را برانگیخت که قطعات استخوان^۱ و ابزار آلات تهیه شده برای حوائج زندگی مانند سوزن و درفش را کنده کاری کند. بر روی خشت های گلی که برای خانه سازی بکار میرفت علامات و نقوشی حک می شد تا مالکیت فردی را که خشت زده بود ثابت کند. به این ترتیب اولین اثر مهر که احراز مالکیت بوسیله آن مسلم می گردید ایجاد شد.

مهر در پیشرفت تمدن دنیای کهن سهم بسزائی دارد و با پیدایش آن در هزاره چهارم پ.م. مرحله جدیدی در مناسبات تجارتي و معاملات پدیدار شد. مهمور کردن انواع کالاها و ظرفها و کوزه ها و خمره های مایعات بوسیله مهر علاوه بر ثبوت عمل تملک مفهوم امضاء صاحب کالا را نیز داشته است. لذا این نوع دادوستد یا

۱- یکی از آثار بسیار قابل توجه مکشوفه از تپه سیلک دسته

از استخوانی چاقوئی سنگ سیلکس است که مجسمه

ایستاده ای که دارای پوشش است و نوعی کلاه ساده به سر دارد

را نشان میدهد، حدود اواسط هزاره پنجم پ.م. طول

سانتیمتر (مجموعه موزه ایران باستان)

ارتباط که بر پایه و اساس شناسائی کامل صاحب کالا صورت می‌گرفته و صحت آن بنابر وجود مهر وی مورد قبول بوده، در امور تجارتي و اقتصادی و مالی موجب تسهیلات بیشماری گردیده است.

فرمانها و اسناد مالی و اداری نیز بدین ترتیب مهر می‌شده و به نقاط دور یا نزدیک فرستاده می‌شده است. چنانکه در کاوشهای شوش تعداد زیادی اثر مهر بر روی قطعات گل رس یا قیر بدست آمده که روی آنها علامات و نقوش ساده‌ای نقر است. این قطعات یا بوسیله تسمه‌ای به کالا بسته می‌شده و یا آنرا در دهانه خمره جا میدادند.

نقش مهرها در دوره‌های مختلف متفاوت است و این نقش‌ها نشانه گویایی از پیشرفت هنر و تمدن، آداب و رسوم وضع زندگی و جوامع و معتقدات و اندیشه مردمان آن دوران است.

با بررسی و مطالعه این آثار که اسناد و مدارک و مآخذ صحیح و پرارزشی هستند می‌توان به بسیاری از مسائل که مربوط به شناسائی تمدن اقوام و مردمی که هزاران سال در فلات پهناور ایران سکونت داشته‌اند و یا بنابر جهات مختلف بسوی این سرزمین روی آورده و ساکن شده‌اند دسترسی پیدا کرد و به تدوین تاریخ موجهی پرداخت.

فصل اول

پیدایش مهر

کهن‌ترین مهرها در هزارهٔ چهارم پ.م. از گل پخته، سنگ گچ و سنگ مرمر سفید و شیری ساخته شده است. در دوران‌های بعدی از سنگهای مختلف مانند: سنگ آهن، سنگ یمانی قرمز یا خاکستری، سنگ یشم، یشم ختائی، سنگ سلیمانی، سنگ لاجورد، سنگ مرمر سفید یا سیاه، سنگ بلور، قیر، استخوان عاج، عقیق برنگهای مختلف و برنز^۱ استفاده می‌شده است. شکل مهرهای اولیه دگمه‌ای یا نیمه کروی، بیضی مخروطی، مکعب و مکعب مستطیل است. دسته‌ای از مهرهای نیمه کروی یا نیمه بیضی بشکل حیوان خوابیده است. جنس این نوع مهر از سنگ مرمر سفید یا شیری و یا سنگ صابون است و نقش برطرف مسطح مهر نقر است. بر مهرهای دگمه‌ای شکل مکشوفه از سیلک در کاشان و تپهٔ حصار در دامغان و تپه گیان در نهاوند و شوش، به همان طریق نقش کنده شده است.^۲

۱- تعداد کمی سیلندر از سیم و زر بدست آمده است.

۲- در کاوش ناحیه شمال غربی لرستان (منطقه پشتکوه) در بخش زرین آباد از

در نوع دیگر که لوله استوانه‌ای (سیلندر) شکل است، نقوش بر بدنه آنها کنده شده است.

در وسط مهرها چه مدور و چه دگمه‌ای شکل و چه لوله‌ای سوراخی برای گذراندن تسمه یا بند کردن آنها در نهایت دقت تعبیه شده است.

نقوش ابتدائی‌ترین مهرها از خطوط ساده هندسی یا خطوط هندسی تزئینی، حیوانات، حشرات و خورشید و ستاره و انسان که همراه با حیوان است و در حقیقت حامی حیوانات یا خدای حیوانات محسوب می‌شود، و یا مقام روحانی دارد، تشکیل یافته است. برگزیدن نقوش حیوانی و انسانی یا نیمه حیوانی و نیمه انسانی و یا صور فلکی برای مهر، علاوه بر آنکه علامت مشخص صاحب مهر است، برای انسان آن روز که دائم مواجه با هر گونه مصائب و خطرات مختلف زمینی و آسمانی و درد و رنج بوده است و هراسی خاص از دنیای ناشناخته که در آن می‌زیسته داشته، بمنزله طلسمی نیز محسوب می‌شده که مالک آنرا در پناه خود از شر ارواح پلید نگه می‌داشته است.

بدون تردید وضع نابسامان و متزلزل انسان، او را وامی‌داشت تا راهی برای بهتر زیستن و بقاء خود پیدا کند و به وسیله‌ای آلام روحی و جسمی خود را تسکین دهد و بتواند در مقابل شدائد و سختی‌ها مقاومت ورزد. این امر جز از راه پیوند با قدرت‌های ناشناخته‌ای که او را از هر سواحاطه

گورستان (دمگه پرچینه) تعدادی مهرهای دگمه‌ای از سنگ صابون و پشم که دارای نقوش پرنده و ستاره و سر حیوان و گیاهی بدست آمده است. رک: نشریه فرهنگ ایران باستان. سال سیزدهم شماره ۱۶، تمدن هزاره پنجم لرستان - نصرت الله معتمدی (ص). (۸۲ و ۷۲).

کرده بود میسر نبود. لذا برای توسل جستن و ارتباط یافتن آن با آن نیروهای نامرئی نقوشی بکار می برد که مظهر خدایان و ارباب انواع بود. هنگامی که انسان مهرهائی را که با چنین نقش هائی منفور بود با خود داشت، بنوعی احساس آرامش و امنیت دست می یافت.

امروزه نیز پس از گذشت هزاران سال و با وجود پیشرفت علوم و اختراعات و اکتشافات باز انسان مترقی، موفق نشده تمام تارهای خرافی باقیمانده از عقاید و اندیشه های نامعقول اجداد ماقبل تاریخی خود را که به گرد او تنیده شده است، از خود دور سازد.

هنوز چشم ما به کودکانی می افتد که رشته هائی از سنگهای رنگین که مادران برای آنها خاصیتی مابعدالطبیعه قائلند، در بازو و یا روی سینه دارند، تا از چشم زخم درمان باشند. بی گمان این تسلسل همان معتقدات هزاران سال پیش است که نسل به نسل با تمام دگرگونیهای زمانه و تحولات فلسفی و فکری و مذهبی به اولاد آنها منتقل شده در اعماق ضمیر آنها رسوخ کرده و اکنون بصورت نوعی سنت دیرین درآمده است.

در بسیاری از قصص و حکایات عامیانه کنونی پاره ای از اثر این نوع معتقدات وجود دارد که بی شک بازمانده آن دورانهاست که سینه به سینه به نسل جدید منتقل شده است. نزد بسیاری از ملل و اقوام کهن رمز نقوش و قدرت معنوی آن بوسیله خالکوبی بر روی پوست بدن انجام میگردد.

در مرحله تکامل تمدن ماقبل تاریخی که آغاز دوران کشاورزی و فعالیت زراعی و اهلی کردن حیوانات است با وجود مشکلات مختلف که در وضع معیشت اقوام بنابر نامساعد بودن شرایط طبیعی یا کمی بارندگی

روی میداد، معهذا پیشرفتی در وضع مدنی از قبیل خانه‌سازی و کوزه‌گری، با ساختن ظروف منقوش و اشیاء کوچک مسین^۱ حاصل گردید.

به موازات تحول مادی زندگی بشر، در حفظ و نضج ثمرات آن نیازمند دگرگونی‌های معنوی و ماوراءالطبیعه نیز ضروری و غیر قابل اجتناب بود.

به این جهت ما در این دوره بنابر روایات افسانه‌های کهن با تجسم تصویر ارباب انواع یا مظاهر آنها بصورت انسان^۲ یا نیمه انسان و نیمه حیوان یا غول‌ها و یا قهرمانانی که به مناسبت قدرت جسمی و توانائی و برتری خود، در زورآزمائی با انسانها یا حیوانات جنبه نیمه‌خدائی بخود گرفته‌اند برمیخوریم.

نقوش دیگری مبارزه حیوانات با یکدیگر، یا انسان با حیوان یا انسان با غول‌ها و حیوانات افسانه‌ای را که روی دو پا برای مبارزه ایستاده‌اند نشان می‌دهد که نمادی دنیای ناشناخته آن روزگاران است.

بسیاری از مهرها دارای نقوش متنوعی است که نمایانگر گذران زندگی افراد است مانند صحنه شکار، حراست گله و رمه، کشاورزی، صید

۱- با اکتشافات نوین و تعیین قدمت بنابر تجزیه کربن ۱۴ چنین بنظر می‌رسد که در دوره هزاره پنجم پیش از میلاد، مردم فلات ایران مس را می‌شناختند و از خواص آن آگاه بودند. در کاوشهای دشت قزوین (سکرآباد) که بوسیله هیئت باستانشناسی دانشگاه تهران انجام گرفت. در سال ۱۳۵۲ به یک کوره ذوب مس برخوردند و قطعاتی از مس بدست آوردند.

2— Anthropomorphe

ماهی، کوزه‌گری و انواع کارهای دستی دیگر. نقوش دیگری نیز حیوانات مختلف، جدال آنها، آغل، مخازن غله (سیلو) و معابد را مجسم می‌سازد.

بر تعداد زیادی از مهرهای لوله‌ای شکل نقوشی از مظاهر طبیعت نقر گردیده است مانند درخت زندگی، مظهر فراوانی، رب النوع روئیدنیها، مار که مظهر آبهای زیرزمینی است، اجرام سماوی مانند قرص خورشید، هلال ماه و بسیاری از ایزدان یا مظاهر آنان که در مباحث گوناگون درباره آنها گفتگو خواهد شد.

بر تعداد زیادی از الواح گلی عیلامی مقدم (دوره دوم هزاره چهارم پ.م.) اثر این نوع نقوش دیده می‌شود. شیوه کار این بوده که مهرهای لوله‌ای شکل را بر روی خمیر گل که هنوز کاملاً خشک نشده بود می‌غلطانند، تا اثر نقش بر جای ماند.

در موارد بسیاری علامات روی سلیندرها نمونه خط است، زیرا پیدایش خط تصویری در ناحیه عیلام مقارن با همین دوره بوده است. همچنین اعداد و ارقام به ترتیبی ساده و ابتدائی بر مهرها مشاهده می‌شود.^۱

۱- بر چند مهر مکشوفه از تپه یحیی (بافت - کرمان) و شهداد (خبیص) نقوشی مانند یک پا یا دو پا در جهت مخالف با بر کلوخه‌های گلی یا اثر مهر بر ته ظروف سفالی، خطوط در هم یا ستاره مانند یا به ردیف چند اثر مدور شکل دیده می‌شود. این نقوش و علامات نمونه‌ای از آغاز خط به روش تصویری است و فرورفتگی‌های مدور مبین اعداد است. لذا چنین بنظر میرسد که در این ناحیه از فلات ایران نیز مانند عیلام خط در اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پ.م. به کار برده شده و دوران ادبیات آغاز گردیده است. (مجموعه موزه ایران باستان)

در نقوش این دوران ارتباط هنری بین عیلام (شوش) و بین النهرین (سومر) به چشم می خورد. زیرا عیلام با همسایگان غربی خود دائم در تماس بوده است و این تماس ها یا از راه دادوستد، بطریق دوستانه، انجام میگرفت یا با برخوردهای خصمانه، که در هر دو صورت موجب نفوذ فرهنگ و نزدیکی بین این ملت ها می گردید. لذا در نقوش مهرها تأثیر برخورد این جوامع بر یکدیگر واضح است. چنانکه در رفت و آمد و آمیزش شوشیان با مردم سیلک (کاشان) همین مختصات در آثار آنان پیداست. در کاوشهای بلاانقطاع که از حدود یک قرن پیش^۱ تاکنون در شوش و نواحی مختلف عیلام انجام گرفته، آثار متنوعی مربوط به تمدن و فرهنگ عیلامی بدست آمده است.

سبک کنده کاری ساده و موضوعات منقوش شامل اشکال هندسی و انسان و نباتات و حیوانات است که با وجود قدمت تا حدی به سبک تقلید حقیقی از طبیعت و از لحاظ هنر تزئینی و تصویری بسیار جالب توجه می باشد.

در این نقوش ساده که آغازی از هنر تصویری است. بسیاری از رسوم و آداب و عادات و معتقدات مردم شوش نمایان است و علاوه بر شکل و جنس، سبک کنده کاری نقوش جلوه ای از هنر و تمدن و طرز زندگی مردم این سرزمین طی قرون متمادی است. از هزاره چهارم تا اواسط هزاره اول که شاهنشاهی هخامنشی تأسیس گردید، نقش مهرها نوعی تاریخ

۱- از سال ۱۸۹۷ میلادی هیئتهای علمی فرانسوی کاوش های خود را برای اولین بار به ریاست ژاک دومرگان (J. Demorgan) در شوش شروع کردند. از آن دوران تاکنون کاوش آن نواحی بوسیله دانشمندان دیگر دنبال می شود.

مصور است که اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، اعتلاء تفوق و برتری یا انحطاط و ضعف عیلامیان را روشن میسازد. چنانکه در هزاره سوم پ.م. که دوره فتوحات سومریها و سپس آکادیهاست^۱ بسیاری از رسوم و عقاید سومری در عیلام رواج یافت. و خط آکادی جای خط عیلامی را گرفت که کمتر از آن استفاده می شد و بیشتر در مورد تعیین مقدار محصول و حمل آن به محل دیگر یا خرید و فروش گله و رمه بکار میرفت.

بر مهرهای این دوره تصاویر ایزدان و قهرمانان سومر و آکاد نمایان شد و آنان جزو ایزدان عیلامی درآمدند.

در آثار ساختمانی باقیمانده بنای معبدی از این دوره که بر بلندی شهر ساخته شده بود. آثار مکشوفه مانند مجسمه ها و نقوش تزئینی یا آثار اهدائی بدست آمده، که عقاید دینی سازندگان آن را جلوه گر می سازد. کنده کاری روی مهرها نقوش حیواناتی که با خطوط هندسی تلفیق یافته و نیایشگرانی که برهنه اند و قهرمان های افسانه ای در حال رام کردن حیوان یا مجلس های مفصلی با نقش انسانی، خدایان و الهه ها و حیوان و گیاه و عناصر فلکی را نشان میدهد. مجموع این تصاویر مبین تصویری خاص از کائنات است و آنچه در آن میگردد و یا خواهد گذشت. لذا بطور یقین این تصاویر معرفت مجمع خدایان و الهه های عیلامی است که بر مبنای عقاید عیلامی و سومری پایه گذاری گردیده است. با ضعف

۱- سلسله آکاد (Acadé) بوسیله سارگن (Sargon) در حدود سال ۲۴۰۰ پ.م. بنیاد گذاشته شد و سارگن به عیلام استیلا یافت.

دولت آکاد و تجدید قوای عیلام توسط شاهزاده شوش پوزور این شوشیناک^۱ که سعی در انهدام آثار بیگانگان و راندن آنان داشت، بار دیگر هنر اصیل عیلامی جلوه گر شد و با نفوذ روزافزون عیلامیان بر بین النهرین این هنر به آن منطقه راه یافت، چنانکه اثر آنرا در هنر آشوری می توان یافت. دائرة تسلسل در مبادله فرهنگی و هنری و عقیدتی که در جوامع اولیه بواسطه برخوردها و یا رابطه بازرگانی و اقتصادی بوجود می آمد بطرزی بسیار واضح بر مهرها مشاهده می شود.

جنبه اقتصادی بقدری مورد نظر بود که یکی از پسران سارگن، شاه آکاد بنام مانیشتوسو^۲ که در جنگ عیلام شرکت داشت، جاده هائی را که از کوهستانهای ایران فلزات و مواد ساختمانی به بین النهرین حمل میکرد با سپاهیان خود تحت مراقبت گرفت.

برای تهیه مهرهای این دوران حکاکان بنا بر نرمی یا سختی جنس مهر بوسیله ابزار نوک تیز (قلم حکاکی) سنگی یا مسین نقوش مختلف را روی آنها کنده کاری میکردند. این هنرمندان در حرفه و صنعت خود تبحر داشته و در انجام این کار هنری نهایت دقت را بکار میبردند.

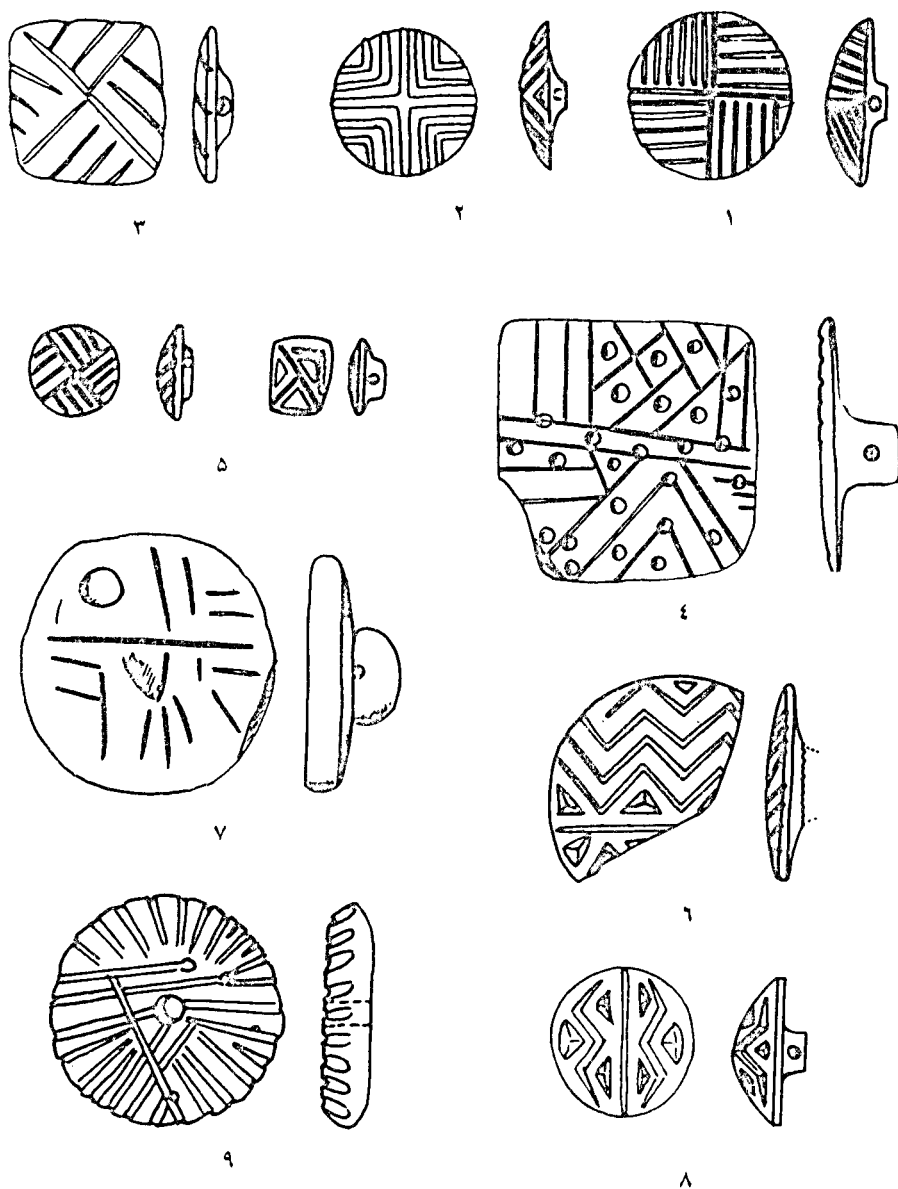
1— Puzur In Shushinak

2— Manishtusu

فصل دوم هزاره چهارم پیش از میلاد

کهن ترین مهرها از این دوره در کاوش های سیلک (طبقه سوم) تپه حصار (طبقه اول)، تل باکون (طبقه الف) و تپه گیان و شوش (طبقه اول)^۱ مهرهای مدور و بیضی بدست آمده است، که روی آنها نقوش هندسی ساده یا مخطط تزئینی و یا نوعی ترکیب و تلفیق از خطوط به اشکال صلیبی و مارپیچی و درهم که گاهی بین آنها مثلث های کوچک یا دوایر تودرتو یا متصل بخط و پیوسته کنده شده است (ش: ۱-۱۰)

۱- در کاوش های علمی برای مشخص کردن طبقات خاکبرداری شده طبق قدمت، از اعداد یا الفباء استفاده می شود.



ش: ۱-۱۰ مهرهای مکشوفه از سیلک (سطح سوم) حدود هزاره چهارم پ-م

هیئت‌های علمی در تپه‌های ماقبل تاریخی فارس^۱ و سیستان و

بلوچستان^۲ مهرهای دگمه‌ای شکل مانند تپه سیلک (سوم) و تپه حصار (اول) کشف کرده‌اند. اثر این قبیل نقوش بر کلوخه‌های دهانه خمره و کوزه مایعات و قطعات گلی که برای ممهور کردن بسته‌های کالا یا الواح

محاسباتی و معاملات بکار می‌رفته، مشاهده میشود.

جنس بیشتر این مهرها از سنگ گچ، گل پخته سنگ یا قیر است.

بر تعدادی از مهرهای دوران اولیه مکشوفه از تپه گیان و تپه حصار و شوش

۱- هرتسفلد (Herzfeld) در سال ۱۹۲۳ م. در مرودشت بفاصله دو کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید (تل باکون) را که از دو تپه تشکیل می‌شود کاوش نمود و آثار سفالی و مهرهای دگمه‌ای شکل بدست آورد. محتمل است نام این تل در اصل تل بغان یعنی تپه باغان بوده است. رک: باستانشناسی ایران باستان. تالیف واندنبرگ ترجمه عیسی بهنام. تهران، ۱۳۵۴ ص ۳۴ و ۴۰.

اورل اشتین از تل جری واقع در کمال آباد و ده بید (فارس) مهرهائی از این دوره بدست آورد.

۲- در کاوشهای علمی همین هیئت و هیئتهای ایرانی کنونی از تپه‌های ماقبل تاریخی سیستان و مکران نیز مهرهای گلی و سنگی با نقوش هندسی و حیوانی کشف گردید. بنابر عقیده چایلد (G.Child) منطقه سیستان در گسترش تمدن و هنر ایران از غرب به شرق نقش موثری داشته است.

رک: (Sir Aurel Stein) Archaeological Reconnaissances in North—western India and Iran. London. 1973. p. 91—106.

رک: G. Child Notes on some Indian and Iranian. pottery 1933 p. 15.

و تپه یحیی^۱ و شهداد^۲ نقش بزکوهی، مار، پرنده، ماهی، انسان یا تلفیقی از انسان و حیوان و یا حیوان و مار با طرحی ساده به صور مختلف مشاهده میشود.

بر زمینه بعضی از مهرها، ستاره، قرص خورشید، چرخ خورشید، یا شاخه درخت نیز نقر است.

طرح این مهرها چه نقوش هندسی یا هندسی تزئینی و حیوانی و انسانی که نوعی علامت شخص است، مفهوم خاصی دارد که متکی به نحوه زندگی صاحبان مهر است. محتمل است که بسیاری از این خطوط ترسیمی و نقوش حیوانات در این دوران که کشاورزی اصل زندگی مردم را تشکیل میداد، مظاهری از عناصر طبیعت باشد. مار که به صور مختلف نمایان میشود جلوه‌ای از مظاهر مختلف است، گاهی مظهر ارباب انواع دوزخی یا باروری و یا مظهر آب‌های زیرزمینی است. بزکوهی علامت فراوانی محصول است. شاخه درخت مظهر روئیدنیهاست. درگیری حیوان وحشی مانند پلنگ یا شیر با گاونر که صحنه‌ای اساطیری است

۱- تپه یحیی در منطقه بافت (کرمان) واقع است و در کاوش هیئت مشترک باستانشناسی ایران و دانشگاه هاروارد امریکا در سال ۱۳۴۹ شمسی در این محل، مهرهای مدور سنگی و مهرهای استوانه‌ای کشف شد

۲- شهداد (خیبص) (کرمان) در حاشیه غربی لوت بفاصله ۳۰ کیلومتر قرار دارد. گروه باستانشناسی دشت لوت از سال ۱۳۴۷ شمسی به سرپرستی مهندس علی حاکمی کاوشهای خود را در این منطقه آغاز نمود و به آثار تمدنی (از اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم پ.م.) دست یافت. از جمله مهرهایی از این دوران نیز کشف شد. رک: راهنمای دشت لوت (شهداد) سال ۱۳۵۱



۱۱



۱۳



۱۴



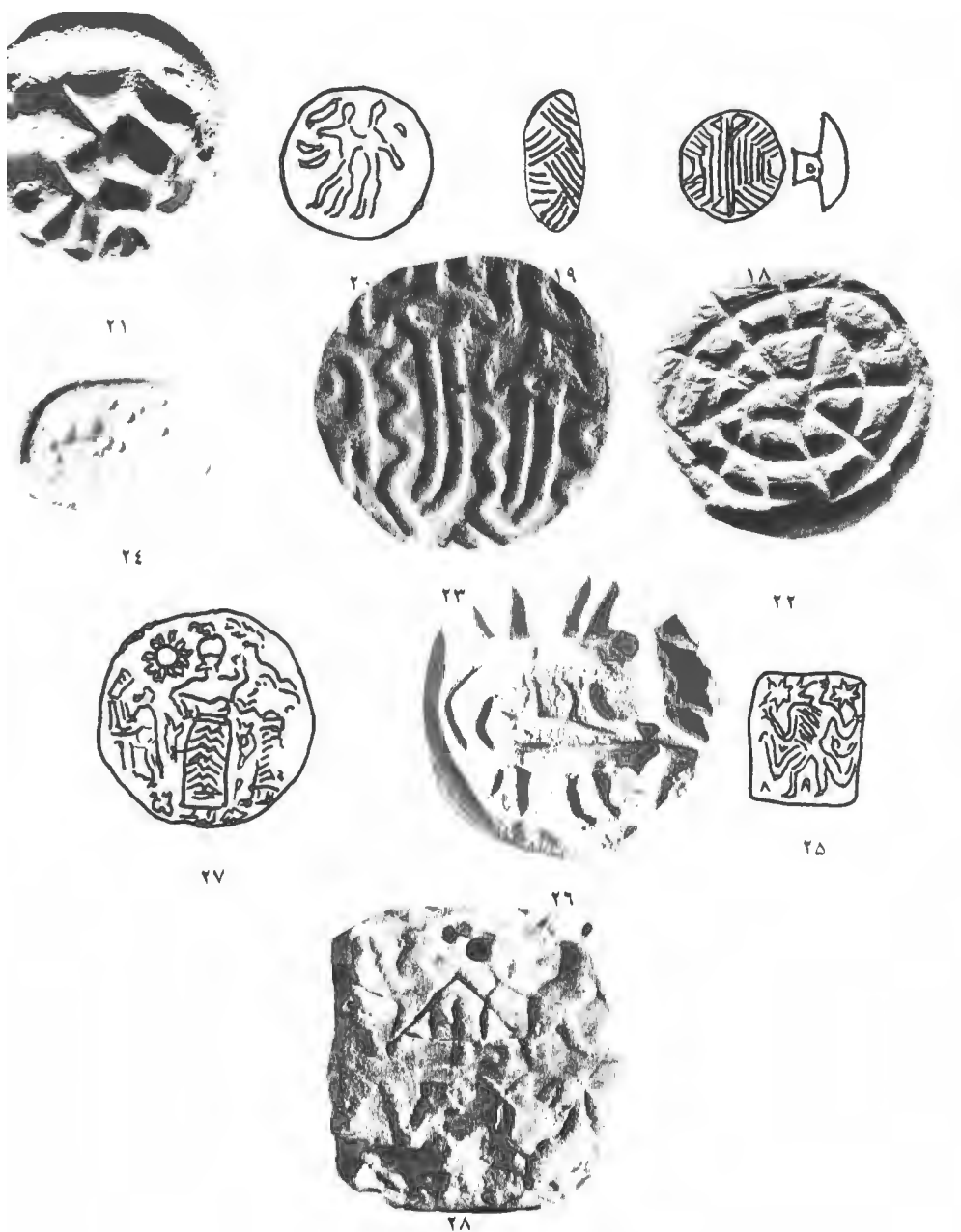
۱۵



۱۷



ش: ۱۱-۱۷. مهر و اثر مهر شوش (الف) حدود هزاره چهارم پ-م



- ش: ۱۸-۲۱. تپه گیان (نهایند) حدود هزاره چهارم پ-م
 ش: ۲۲-۲۳. تپه حصار (دامغان) حدود هزاره چهارم پ-م
 ش: ۲۴. چغامیش خورستان حدود هزاره چهارم پ-م
 ش: ۲۵. تپه گیان (خدای افلاک).
 ش: ۲۶. مهر مکشوفه از قریه بالوآذر بایجان غربی.
 ش: ۲۷. اثر مهر بر لوح گلی عیلامی اواسط هزار چهارم پ-م.
 ش: ۲۸. اثر مهر گلی با ارقام، برای اولین بار عیلامی، اوایل هزاره سوم پ-م



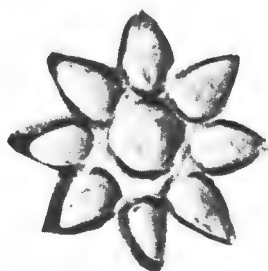
۳۰



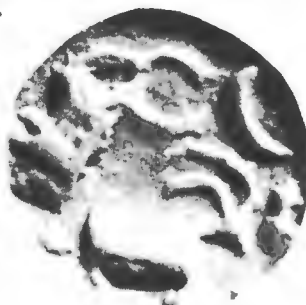
۲۹



۳۳



۳۲



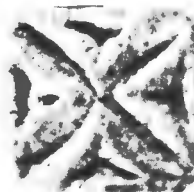
۳۱



۳۶



۳۵



۳۴



۳۷

س: ۲۹ - ۳۰. تیه یحیی (یافت - کرمان) هزاره سوم پ-م

س: ۳۲ - ۳۴. شهاداد (مهر سنگی و مسی)

س: ۳۵. شوش اواسط هزاره سوم پ-م

س: ۳۶. شوش هزاره دوم پ-م.

س: ۳۷. سرخ دم لرستان

رابطه مستقیم با عقیده باطنی صاحب مهر دارد. مثلاً گاو که مظهر قربانی است و در چنگ قدرت بزرگتری مانند پلنگ یا شیر قرار گرفته و از پای درآمده است، محتملاً صاحب چنین مهری شکارچی است که از این راه اعاشه میکند و برای ایمنی خود از گزند حمله حیوانات وحشی گاو را قربانی میکند و در پناه چنین مهری خود را مصون از حوادث میپندارد.

این نوع صحنه‌های اساطیری و افسانه‌ای مبین آغاز دوران ادبیات است. زیرا نقوش علامتی است مانند نوشته‌ها که برای ابراز اندیشه درونی و بیان امیال و خواسته‌های انسانهای این دوران بکار رفته است. (ش. ۱۲-۳۷).

بر تعدادی از مهرها یا اثر مهرهای مکشوفه از شوش، به نقوشی برمیخوریم که ما را با افسانه‌های کهن از آغاز دوران شهرنشینی آشنا میسازد. دورانی که اشکال انسانی و حیوانی سراسر کنایه‌ای است. ایزدان افسانه‌ای بصورت انسانی ظاهر میشوند که با خود نشانه‌هایی دارند، چنانکه ایزد حیوانات شاخ به سر دارد و شاخ علامت برتری و قدرت است، در این صحنه‌ها ایزد حیوانات که شخصی با قد بلند است و مدالی بر سینه او آویزان است، دامن نقش‌داری پوشیده و در وسط بین دو شیر که روی دو پا بلند شده‌اند ایستاده و با دستهای خود آنها را نگاهداشته و رام کرده است. در صحنه دیگری ایزد حیوانات بر مارها غلبه کرده است. در این قبیل نقوش اغلب با رؤسای معابد که قدرت مطلق معنوی و مادی دارند روبرو می‌شویم که بصورت نیمه ایزدان یا مافوق انسانی بنظر می‌رسند. در چند اثر مهر که نمایشگر تشریفات مذهبی است، رئیس معبد یا شاه، یا حاکم که در ضمن ریاست معبد را نیز دارد، با مرد

دیگری همراه است که صاحب مقام و زبردست او است و در کنار او به اندازه کوچکتر در حال احترام ایستاده یا در مقابل او زانو زده است. بر بعضی از مهرها نقش خورشید که علامت روشنی و گرمی و ماهی که علامت آب است و همچنین تصاویر فلکی و یا دشمنی که در پائین پای مرد مذهبی و خادم وی به زمین افتاده منقور است^۱. در نقش دیگری، مرد روحانی در مقابل محراب مطبقی زانو زده است، شاید این محراب قابل نقل و انتقال بوده، یا محراب اختصاصی مرد روحانی باشد. بر دور محراب و مرد روحانی نقوش پراکنده تزئینی از حیوانات قرار دارد.

شبیه این طرز نقوش در چند مهر تپه حصار و تپه گیان نیز دیده شده است. لذا چنین بنظر میرسد که موضوع ایزد حامی یا رام کننده حیوانات که سر آنها از شاخ که نشانه برتری است، زینت یافته در سایر قسمتهای مسکونی فلات ایران نیز رواج کامل داشته است^۲.

مهرهای استوانه‌ای این دوره دارای همین نوع نقوش هندسی^۳ تزئینی و ترکیبی و ردیف حیوانات و ماهی و حشره و پرندگان (ش: ۳۸-۵۲) و یا نقوش اساطیری مانند جدال حیوانات و مبارزه انسان با حیوان است.

۱- این مهر یا اثر مهر در طبقه بین یک (الف) و شوش دو (ب) بدست آمده است. برای

اطلاع بیشتر ر. ک. P. Amiet Lag yltique Mesopotamienne Archaïque.

۲- ردیف این نوع مهر مانند طرح (ش- ۲۷) است. (ص- ۷۲ و ۷۱ و ۷۰ و ۶۹)

۳- در کاوش تپه موسیان (۱۵۰ کیلومتری شمال غربی شوش) چند مهر استوانه‌ای با نقش هندسی با نقش گوزن و انسان (خدای حامی حیوانات) در کنار نقوش تزئینی هندسی که نشانه‌ای از رودخانه‌ها است که آب در آن به صورت خطوط نشان داده شده بدست آمده است. رک: L. Delaporte c.c.o pl 37 NO. 11.



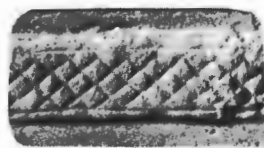
۳۸



۳۹



۴۰

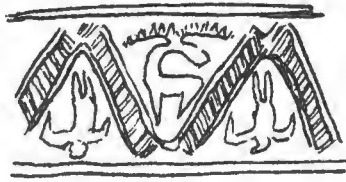


۴۱

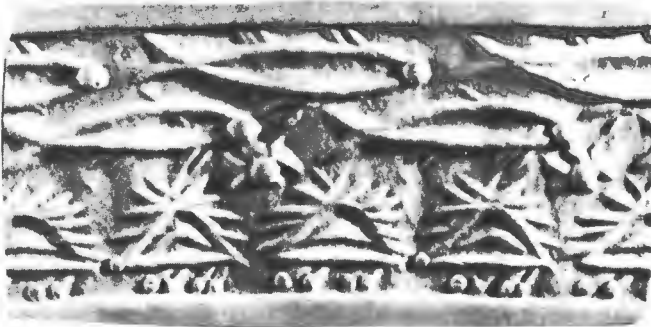


ش: ۳۸-۴۰. شوش (اواخر هزاره چهارم، اوایل هزاره سوم پ-م).

ش: ۴۱. جغامش (هزاره چهارم پ-م)



۴۲



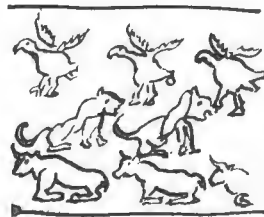
۴۳



۴۴

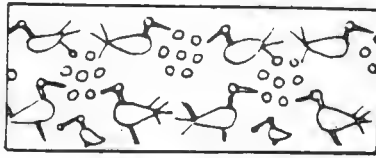


۴۶



۴۵

ش: ۴۲. تپه موسیان، (حدود اواخر هزاره چهارم پ-م
ش: ۴۴-۴۳. شوش (اوایل هزاره سوم پ-م
ش: ۴۵-۴۶. اواخر هزاره چهارم- اوایل هزاره سوم پ-م (موزه لوز).



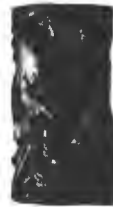
۴۷



۴۸



۴۹



۵۰



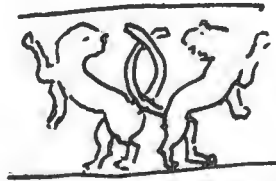
۵۱



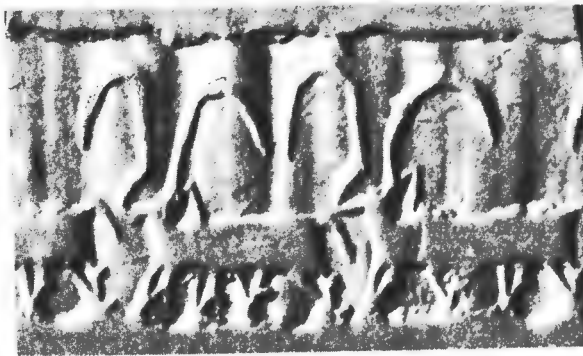
ش: ۴۷. سیلک، (اواخر هزاره چهارم پ-م)
ش: ۴۸-۵۱. شوش (اواخر هزاره چهارم، اوایل هزاره سوم پ-م).



۵۲



۵۳



۵۴



ش: ۵۲. کلوخه مدور (شوش) هزاره چهارم پ-م

ش: ۵۳. اثر مهر

ش: ۵۴. شوش اوایل هزار سوم پ-م

لقوش حیوانی که با تقاطع خطوط شکل گرفته گاهی بصورت تجربیدی است. شاید ترسیم این نوع اشکال با افکار خرافی یا مسائل گنگ دنیای ناشناخته ذهنی آنان بیشتر رابطه پیدا میکند. گاهی تصویر انسانی به صورتی ساده است اما غول‌ها یعنی حیوانات افسانه‌ای بصور مختلف دیده می‌شوند. مانند غول ترکیب یافته از بدن شیر و سر و دم مار که در برخورد با غول دیگر، سر و دم آنها بیکدیگر پیچ خورده است (ش: ۵۳).

با مطالعه مهرهای استوانه‌ای که صحنه‌های انسانی آن تقلیدی از طبیعت است و حیوانات به شکل واقعی و افسانه‌ای نشان داده شده است، میتوان چنین استنتاج کرد که مردم آن عهد تا چه حد به زندگی شبانی و روستائی وابسته بوده‌اند و این وابستگی را به رام کردن حیوانات به طرز عادی یا اساطیری بر مهرها منعکس نموده‌اند (ش: ۵۴). مهرها یا اثر مهرها نیمه دوم هزاره چهارم پ.م. برای شناسائی جامعه شهرنشین و رابطه آن با روستاها یا سایر نقاط که دوران شهرنشینی را آغاز نموده‌اند حائز کمال اهمیت است. بنابراین آثار میتوان به طور وضوح از مسائلی که در جامعه آن روزگاران میگذشته آگاهی حاصل نمود. آنچه موجب ترقی حیات اجتماعی مردم این سرزمین شده است، بدون تردید فعالیت جوامع مبتنی بر پایه اقتصاد مدنی بوده که در اثر تلاش و پیشرفت تدریجی با وجود برخورد با مشکلات طی قرون سرانجام بر آنها فائق آمده و مسلط گردیده است. مهرها مانند آئینه زمان منعکس کننده ترقیات انسانی در این دوران تمدن ماقبل تاریخی ایران است. و نقوش آنها مبین مدارج و مراحل است که بشر طی کرده توانسته با سعی و کوشش فراوان بر انواع حرف و پشه‌ها مسلط شود و از آنها برای بهبود زندگی شهری و روستائی بهره‌مند گردد.

فصل سوم

هزاره چهارم تا اوایل هزاره سوم پ.م

دوره آغاز شهرنشینی: در این مرحله ماقبل تاریخی، ایران در بسیاری از حرف و پیشه مانند سفال‌سازی، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، نانوائی، ساختن آلات موسیقی و وسایل آرایش، معماری و کشتی‌سازی، پیشرفت چشمگیری کرده بود که در بالا بردن سطح زندگی مردمان ساکن فلات، چه روستا و چه شهر، تأثیر بسزائی داشت. زیرا تمدن شهرنشینی با تشکیل حکومتی آغاز شد که برپایه جوامعی متشکل از مردم شهر و روستا استوار بود و گذشته از آن که آثار فعالیت‌های روزمره انسان‌ها مانند شکار و زراعت و گله‌داری، در نقش مهرها جای خود را محفوظ داشته است، صنایع و حرف نیز که بصورت تخصصی درآمدده مانند سفال‌سازی، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، فن معماری و ساختمانی، چون منازل و معابد، آغل چهارپایان و انبار و سیلو برای غلات بر مهرها بطرز بسیار جالبی منقوش است، که به ترتیب، مختصری درباره آنها گفته می‌شود.

سفال سازی :

با پیشرفت‌هایی که در صنعت سفال‌سازی ایجاد شد، کوزه‌گر موفق شد که ظروف مختلف دسته‌دار و پایه‌دار و انواع جام‌ها و خمره‌ها را با طرحی زیبا بسازد و آنها را با نقش‌هایی به سبک طبیعت پردازی‌ترین نماید. لذا بر مهرها کوزه‌گرانی را می‌بینیم که به ساختن کوزه به اشکال مختلف مشغول‌اند. کوزه‌گری در این دوران به عهده زنان بوده است. لذا تصویر منقوش بر مهرها زنانی را که معمولاً نشسته بکار کوزه‌گری می‌پرداخته‌اند، نشان می‌دهد (ش: ۵۵-۵۶).

گاهی صحنه‌ها ساده نیست و تزیینات بیشتری دارد. مثلاً در اطراف کوزه گلوله‌های گلی آماده برای تهیه ظروف قرار دارد و یا دوزن کوزه‌گر در حال ساختن ظروفی هستند، این ظروف دسته‌دار یا گرد با یک دهانه یا دو دهانه یا بشکل مرغ است. در زمینه نقش علاوه بر گلوله‌های گل و ظروف سفال ساخته شده و نیمه ساخته و گاومیش یا بزکوهی، یا شاخه درخت و آدمی بشکل ایستاده، دیده می‌شود.

این نوع مهرها که اختصاص به صنعتگران سفال‌ساز دارد. روش کار آنان را بصورت واضحی نشان می‌دهد و پس از گذشت شش هزار سال آن قطعات منقور منعکس‌کننده فعالیت این دسته از صنعتگران است. در نقش بعضی از مهرها کوزه‌گر در مقابل کوزه ساخته شده که از درون آن مایعی بیرون میریزد نشسته است فوران آب یا مایع علامت نعمت و برکت است و این نوع ظروف برای اهداء به معبد تهیه می‌شده است (ش: ۵۷).

نخ‌ریسی و پارچه‌بافی:

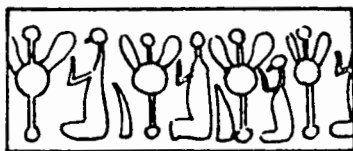
در باره این رشته چندین اثر مهر از کاوش‌های شوش و چغامیش^۱ بدست آمده است که بطور دقیق طریقه ریسندگی و بافندگی را نشان می‌دهد.

اثر مهر استوانه‌ای مکشوفه از چغامیش نمونه ممتازی از توجه به حرفه و صنعت در این دوران است. در صحنه مهر، زنی که مقام والائی دارد، بر تخت نشسته و دوک بدست به نخ‌ریسی مشغول است و زن دیگری دو مشک در مقابل دارد که با دستهایش آن مشک‌ها را تکان می‌دهد (میزند). محتمل است که مایع درون مشک‌ها شیر باشد که آن زن پس از تهیه سرشیر شیر را درون ظرف پایه‌دار و دسته‌داری که در کنار مشک‌ها قرار دارد خواهد ریخت، یا اینکه زن مشغول تهیه کرم آرایش است، زیرا در صحنه مهر نقش کژدم که نشانه پیوند زناشوئی مقدس می‌باشد، نقر است^۲ (ش: ۵۸-۵۹).

برای پارچه‌بافی از کارگاه چوبی استفاده می‌شده است. به این طریق که بین دو چوب عمودی تار نخ‌ها بوضع افقی کشیده شده است. در نقشی از اثر مهر می‌بینیم که دو نفر پارچه می‌بافند و در دو طرف کارگاه

۱- چغامیش در ۲۷ کیلومتری جنوب دزفول است و از سال ۱۹۶۱ میلادی تا مدتی پروفیسور دولوگاز (P.P. Deloogaz) و هلن کانتور (H. Kantor) در این منطقه بکاوشهای علمی خود ادامه میدادند.

۲- ر.ک. The memorial volume VE Congress Iranian Art And Archaeology p. 35.



۵۶



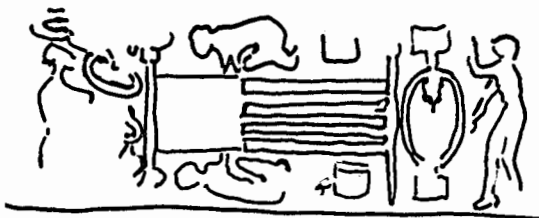
۵۵



۵۹



۵۸



۶۲



۶۱

ش: ۵۵. کوزه گری (شوش) اثر مهر گلی (حدود اواسط هزاره چهارم).

ش: ۵۶. کوزه گری سیلک (حدود اواسط هزار چهارم).

ش: ۵۷. کوزه گری شوش (حدود اواسط هزاره چهارم).

ش: ۵۸. ریسندگی شوش (حدود اواسط هزاره چهارم).

ش: ۵۹. ریسندگی چغامیش (حدود اواسط هزاره چهارم).

ش: ۶۰. پارچه بافی شوش (حدود اواسط هزاره چهارم).

ش: ۶۱-۶۲ نانوائی شوش (حدود اواسط هزاره چهارم).

دو نفر دیگر یکی ایستاده و دیگری نشسته در حال نخ ریزی یا پشم ریزی اند (ش: ۶۰).

از کاوش های شوش وزنه هایی که برای تنظیم کار بافندگی بود، و در نقوش مهرها دیده میشود، کشف گردیده است. این وزنه ها و نوع دیگر آن که برای نخ ریزی است کار بافتن پارچه را سهلتر میساخته در مرغوب شدن پارچه اثر داشته است، زیرا بوسیله این وزنه ها نخ یا پشم بر کارگاه به ردیف منظمی کشیده میشود و ضمن کار جابجا نمی شده است. وزنه ها و دوک ها سنگی اند. در کاوش شوش، سیلک، تپه گیان، چغامیش، و تپه یحیی و حاجی فیروز^۱ تعدادی دوک سنگی بدست آمده است.

روش بافندگی با کارگاه هنوز در بین روستائیان معمول است. پس هنرهای دستی ایران اصالت اولیه خود را حفظ کرده پیوسته نسل به نسل تا دوران کنونی این روش ادامه یافته و از یاد نرفته است.

نانوائی:

از دوره عیلامی مقدم در حوضه دیاله و شوش مهر و اثر مهرهایی بدست آمده که زنانی را در حال تهیه نان مجسم میسازد. زنان دوزانو بر زمین نشسته اند و دودست را بطرف قطعات خمیر (چانه) و نان های مثلث شکل (شبه نان سنگک امروزی) دراز کرده اند. در قسمت پائین مهر میزهای کوتاه پایه دار قرار دارد که نان را برای پختن روی آن

۱- تپه حاجی فیروز در نزدیکی حسنلو (آذربایجان) واقع است.

می گذاشته‌اند. در صحنه مهر دیگری، چند تن که مأمور جمع‌آوری انواع آذوقه برای عبادتگاه هستند، دیده می‌شود که بین آنان سه نفر به جمع‌آوری نان مشغولند. سرپرست آنان که ایستاده برای نظارت در جمع‌آوری نان در پشت یکی از نانوایا خم شده بدقت کار آنها را زیر نظر گرفته است. در زمینه مهر مشک آب که سه دهانه دارد و ظرف دسته‌داری و خمره جای آرد و غلطک برای باز کردن خمیر و نوعی شانه که برای تزئین روی نان بوده است و نوعی لیوان که درون آن خمیر آماده (چانه) است مشاهده می‌شود (ش: ۶۱-۶۲)

آلات موسیقی و تهیه وسایل آرایش:

اثر مهر بسیار جالب توجهی از چغامیش بدست آمده است که انواع آلات موسیقی و روش تهیه وسایل آرایش را نشان می‌دهد. در قسمتی از مهر دوزن با دقت زیاد به تهیه مایع مخصوص بزرگ مشغولند. در طرف دیگر سه نوازنده مشغول نواختن چنگ و طبل و نوعی فلوت دو سر که به شکل دو شاخ است، هستند. آوازه‌خوان که در کنار نشسته و دست را به گوش برده (برای اینکه بتواند بلندتر بخواند) و آواز می‌خواند. در زمینه مهر کاسه‌های کوچک و بزرگ و انواع خمره و کوزه و ظرف دسته‌دار و دو مشک دو دهانه و سه دهانه که یکی از آنها را زنی که ایستاده است بدست گرفته تا با تکان دادن آن مایع مخصوص آرایش بهتر حل شود، مشاهده می‌شود^۱ (ش: ۶۳)

۱- این مهر از کاوش چغامیش بدست آمده است.

در یک مهر استوانه‌ای از دوره آکاد (۲۴۰۰-۲۰۰ پ.م) که صحنه متنوع اساطیری دارد در جزو مظاهر و نشانه‌های مختلف و متنوع که در اطراف الهه بر تخت نشسته، دیده میشود. یک چنگ نیز قرار دارد. در مهرهائی از دوره عیلامی مقدم و آکاد تا اواسط هزاره دوم پ.م. که از شوش بدست آمده است. چنگ و شیپور شاخی شکل دیده میشود.

فن معماری:

در این دوره انواع ساختمان، از ابنیه و معابد شهری گرفته تا ساختمانهای مورد احتیاج در روستاها، از جمله طویله و آغل برای جا دادن چهار پایان و انبارهای علوفه و سیلو برای نگهداری غلات به طرز کاملی بر مهرها کنده کاری شده است.

با ملاحظه این نقوش به بهترین وجهی از تاریخ خانه‌سازی و سبک معماری آگاه شده بدرستی میتوان دریافت که در هزاره چهارم از چه مصالحی در ساختمان‌ها استفاده می‌شده است. در کاوشهای شوش اثر مهری متعلق به اوایل هزاره چهارم پ.م کشف شده که نقش آغلی به طرح یک کلبه از نی و حصیر بر آن منقوش است. این نوع کلبه ابتدائی ترین نوع محل سکونت بوده است که آثار آن هنوز باقی است و در روستاها مشاهده می‌شود.

بر صحنه این مهر شبانی دیده می‌شود که با چوبدستی خود گله را بسوی آغل می‌راند^۱ (ش: ۶۴). بر اثر مهرهای موجود بر الواح یا بر کلوخه‌های گلی مدور یا کلوخه‌های دهانه خمیه و کوزه مکشوفه از شوش، طرح

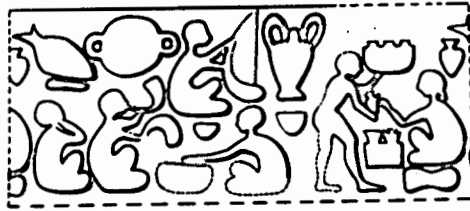
1— P. Amiet. Revue D'assyriologie et D'archeologie orientale representation antique de Comstruction susiennes. p. 39.

ساختمانهای متنوع و عبادتگاه بطرزی دقیق منقور است و میتوان در یافت که معماران با چه دقت و مهارتی با امکانات آنروز، به اصول ساختمانی با رعایت موازین هنری و رعایت نفوذ روشنائی و تابش نور توجه داشته‌اند. اثر مهری بر کلوخه گلی، ساختمانی را نشان می‌دهد که دری مستطیل شکل دارد. یک طرف بنا به دیرک چوبی دسته‌دار متصل است. بر بالای بنا برای راه یافتن هوا و روشنائی، شش پنجره تعبیه شده است. این ساختمان جنبه مذهبی دارد و شاید عبادتگاه باشد، طرح دیرک دسته‌دار شباهت زیادی به خط تصویری سومری دارد که معرف شاه یا شاهزاده است.^۱

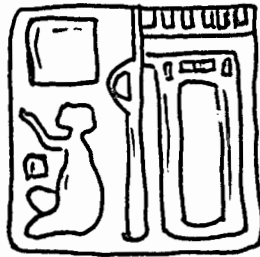
محتمل است که این علامت در ساختمانهای مذهبی عیلامی بعنوان دستگیره مقدس جایگاه خدایان و رمزی از عبادتگاه باشد. (ش: ۶۵) زیرا در مقابل در ربه النوعی چمباتمه زده دستها را به حال نیاز بسوی قدرتی نامرئی دراز کرده است. نقوش دیگری، آثار ساختمانی را به طور دقیق نشان میدهد که به درها و پنجره‌ها حصیر بافته شده آویزان است و پنجره‌هایی برای روشنی و ورود نور آفتاب در بالای بنا در دوردیف قرار دارند (ش: ۶۶).

در اثر مهر بسیار مهم دیگری، تحولی که در سبک معماری ایجاد شده به طور وضوح نمایان است. این ساختمان دارای دو طبقه با درها و پنجره‌هایی به قطع‌های مختلف و به وضعی متناسب است. دو طرف بنا بوسیله شش شاخ که مظهر قدرت و برتری است و معمولاً بر

1— P. Amiet. G.M.A p. 79.



۶۳



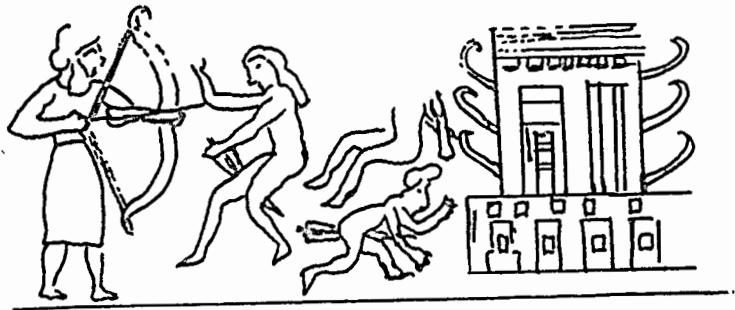
۶۵



۶۴



۶۶



۶۷

- ش: ۶۳. چغامیش (هزاره چهارم پ-م).
 ش: ۶۴. شوش (آغل) (هزاره چهارم پ-م).
 ش: ۶۵. شوش عبادنگاه (هزاره چهارم پ-م).
 ش: ۶۶. کاخ عیلامی (هزاره چهارم پ-م).
 ش: ۶۷. عبادنگاه (هزاره چهارم پ-م).

کلاه خدایان دیده می شود، تزئین شده است. لذا بی شک این بنا جایگاه مقدس و محل سکونت و فرمانروا یا شاه که سمت پیشوائی مذهبی را نیز به عهده داشته می باشد، و شاخ علامت شناسائی مقام معنوی اوست. در مقابل ساختمان، شاه یا فرمانروای بزرگ مذهبی، کمان بدست در حال رها کردن تیر بسوی زنی لخت است که از جایگاه مذهبی بسوی او روی آورده تیر دیگری که معنای رمزی دارد بدست گرفته است.

بین آن زن و بنای مقدس دو نفر دیگر که تیری به هر یک از آنان اصابت کرده است، در حال سقوط اند. این مجلس اشارات مذهبی و طرز تفکر و معتقدات عیلامیان را به وجهی بسیار دقیق جلوه گر می سازد. از بلندی تپه ای در شوش آثار ویران شده ساختمان بزرگ آجری کشف گردیده که بایستی باقیمانده معبد مهمی باشد^۱، احتمالاً نقش مهر فوق الذکر نمونه ای از آن معبد بوده است.

بر اثر مهر مکشوفه از چغامیش، (ش: ۶۷) صحنه تسخیر شهر نشان داده شده است. ساختمانی که مقرر فرمانروا یا دژ است و در دوسوی آن زن و مرد هیجان زده و آشفته در حرکتند، و دو نفر که بی شک از مهاجمان اند، در حال اسیر کردن آنان هستند (ش: ۶۸)^۲.

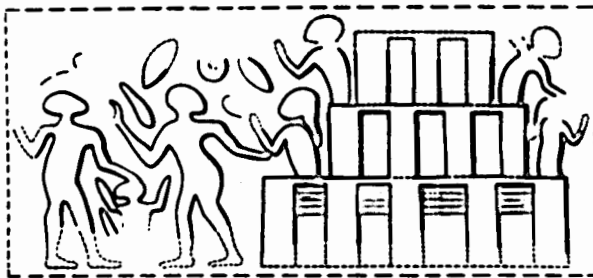
بناهای این دوره که نقش آنها بر اثر مهرها باقی است، بیشتر دارای سقف مسطح است و در ورودی مرکزی و راهروهای متعدد به وسیله جرزها و ستونها از هم مجزا شده است. به طور کلی سبک معماری

1— P. Amiet. Ibid p. 41.

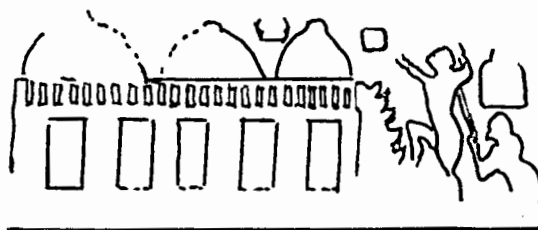
2— P. P. Deloogaz. The MV. Congress of Iranian art an archaeology. 1966 V.I p.p. 30—32.

عیلامی حاکی از ذوق و هنرشناسی معماران ایرانی است و توجه خاص و ابتکار آنان برای هماهنگ ساختن سطوح بنا، با استفاده از تعادل بین جرزها و ستون‌ها به وضوح مشهود است. معماران به خاطر ورود نور و روشنایی خورشید به درون ساختمان، پنجره‌ها را در بالای ساختمان قرار می‌دادند. از بناهای دیگری که جنبه عمومی و مفید دارد نیز آثاری بر مهرهای این دوره مشاهده می‌شود. مانند انبار علوفه و سیلو برای جا دادن و حفظ غلات و حبوبات تا رطوبت و بارندگی موجب فساد و از بین بردن آنها نشود. ساختن این نوع انبار و سیلو از مختصات شوشیان است و به وسیله آنان به دره نیل و نواحی دیگر رفته است. زیرا روابط تجارتنی و دادوستد بین عیلام و مصر در آن دوره وجود داشته و مصریان از روش و ابتکار عیلامیان در ساختن این نوع انبار و سیلو استفاده کرده آنرا بکار برده‌اند.

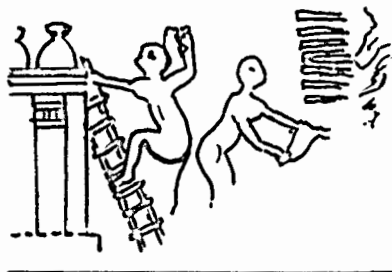
در چند اثر مهر از شوش ساختمان سیلو و طرز حمل و جا دادن غلات در آن دیده می‌شود. سیلو بنائی بزرگ مستطیل شکل با تزییناتی از گلوئی و هزاره و جرزها، بوده، که بر روی سکوئی ساخته می‌شده و سقف بسته به بزرگی سیلو از چند گنبد تشکیل می‌شده است. در بالای هر گنبد سوراخی تعبیه شده بود که غلات را از آنجا به درون سیلومی ریخته‌اند و پس از پر شدن آن را به طور کامل می‌بسته‌اند. بر این نقوش طرز حمل غلات بوسیله کارگران دیده می‌شود، به این ترتیب که آنان بار غله را به دوش گرفته بوسیله پله یا نردبام به بالای بام برده و بار را از سوراخ بالای گنبد به درون سیلومی ریخته‌اند. بدون تردید این مهرها متعلق به ملاکین و زارعین بزرگ و یا مأمور خاصه فرمانروای عیلامی بوده که امور ملکی و



٦٨



٦٩



٧٠



٧١

ش: ٦٨. چغامیش (هزاره چهارم پ-م).
ش: ٦٩-٧١. شوش (موزه لور).

جمع آوری محصول به عهده وی بوده است^۱ (ش: ۶۹-۷۱)

کشتی سازی:

از اوایل هزاره چهارم پ.م. نقش کشتی (قایق) به اشکال مختلف بر مهرها نقر است. بر مهر مکشوفه از چغامیش، شخصی که فرمانروا یا سردار فاتحی است از درون کشتی سرطانی را که دواسیر به آن بسته شده است به دست گرفته نیزه ای که علامت غلبه بر دشمن است به دست دیگر دارد^۲ (ش: ۷۲) مهر استوانه ای با نقش بسیار جالب توجه از شوش بدست آمده که صحنه آن از دو قسمت تشکیل یافته است، در قسمت بالا خدای کشتی به صورت انسانی در کنار بزکوهی که شاخ های پر پیچ و بلندی دارد ایستاده و شاهین با بالهای گشوده بر صحنه نظارت دارد. در قسمت پائین، خدای کشتی که حامی کشتی را نان است، درون کشتی ایستاده. کشتی به شکل تن ماهی است و سکان آن از نیم تنه انسان که تاج شاخدار بر سر دارد تشکیل یافته است.

بدون تردید این کشتی با چنین تشکیلاتی مظهر آرامش آب است که خدای کشتی درون آن ایستاده و در کنار کشتی نقش پلنگی نیز نقر است. مجموع حیوانات آرام و وحشی و شاهین مظهر برتری و فرمانروائی بر آسمانها، مبین ادامه زندگی و مقاومت در قبال حوادث نابود کننده

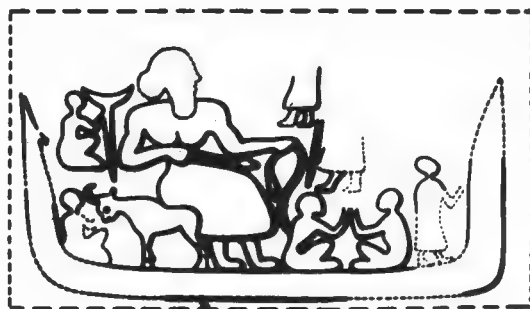
1— P. Amict. Ibid. p.p. 41—43.

2— The memorial Volume V the Congress of art and Archaeology. p. 31.

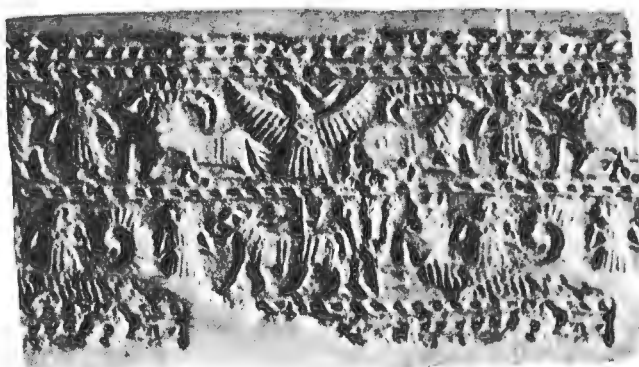
ناشی از طوفان است (ش: ۷۳)، بر اثر چند مهر، کشتی که از تنه درخت یکپارچه تهیه شده است به وسیله شیر یا گاومیش که به وضع انسانی پارو به دست دارد، بر روی آب میگذرد. در بالای نقش، اعدادی نقر است (ش: ۷۴). نظر بعضی از باستانشناسان بر این است که حیوانات در این نقوش موکل دنیای زیرین اند^۱.

در حالیکه این نقوش مبین عنصر آب و موکل برکه و مرداب‌ها بوده به کمک آنها ارتباط بین دو ساحل رودخانه امکان پذیر میگردد و همچنین میتوان بمدد آنها برای ماهیگیری به کناره دریا رفت.

1— P. Amiet G.M.A p. 588.



۷۲



۷۳

ش: ۷۲. چغامیش (اوایل هزاره چهارم پ-م).
ش: ۷۳. شوش (اوایل هزاره سوم پ-م).

فصل چهارم

نیمه دوم هزاره چهارم پ.م

امور روستائی: نقوش گروهی از مهرها نمایانگر امور روستائی از قبیل زراعت، شخم زدن و بذر پاشیدن، جمع آوری غلات، میوه چینی، شبانی و گله داری و تهیه شیر است، و هنرمند حکاک سعی کرده است هنر خود را تا حد امکان به صورت حقیقی و طبیعی جلوه گر سازد. لذا با در دست داشتن این مهرها میتوان به طور واضح از انواع وسایل اولیه و راههایی که روستائیان در کار زراعت، بذر پاشی و شخم زمین، بیل زدن، گله داری، جمع آوری غلات بکار می برده اند. اطلاع حاصل کنیم و به طور مسلم از زندگی کشاورزان و فعالیت روزمره آنان در مراکز روستائی در طول این دوران آگاه شویم. گاهی از خلال نقوش در صحنه های عادی، شخصیت های اساطیری یا حیوانات افسانه ای ظاهر می شوند. بی شک انگیزه بکار بردن این نقوش اساطیری نه تفنن و تخیل هنرمند بلکه جهان بینی خاصی است که مبین قدرت های مافوق الطبیعه و یا حمایت گله ورمه، یا نگهبان زراعت و باروری درختان، حتی استقرار زمین میباشد.



V4



V5



V7



V9



V8

- ش: V4. شوش (اواسط هزاره چهارم پ-م). (موزه لور).
 ش: V5. شوش (اواسط هزاره چهارم پ-م). (موزه لور).
 ش: V7-V6. شوش (اواسط هزاره چهارم پ-م). (موزه لور).
 ش: V8-V9. شوش (اواسط هزاره چهارم پ-م). (موزه لور).

زراعت:

بر قطعه گل دهانه کوزه ای اثر مهری باقی است که مردانی برهنه را در حال شخم زدن زمین نشان می دهد و یک نفر به بذرافشانی مشغول است و در بالای نقش علاماتی که به خط عیلامی اولیه است، دیده می شود. در این دوران برای شخم زدن زمین از گاو استفاده می شده و خیش دندانه دار که رعایا بدست دارند، بدون تردید از مس است (ش: ۷۵)^۱

در نقوش دیگری زارعین و رعایا در بین حیوانات به کار مشغولند یا علوفه به آنها می دهند.

جمع آوری غلات:

برای جمع آوری غلات و حبوبات، زارعین از خمره های بزرگ استفاده می کردند. در نقش مهر می بینیم که چند نفر حامل ظروف غله یا پیمانه های غله را به دو نفر که در مقابل خمره بزرگ ایستاده اند می دهند تا آنها محصول را درون خمره بریزند (ش: ۷۶)^۲. بر چند اثر مهر از شوش، افرادی دیده می شوند که با دست مشغول فشردن میوه یا انگور برای تهیه شراب اند. از این آثار می توان از راهپائی که انواع مشروبات را تهیه می کردند، اطلاع حاصل کرد^۳.

۱— اثر مهر مکشوفه از شوش است. (موزه ایران باستان)

2— P. Amiet. G.M.A. NO 278 (Louvre).

3— P. Amiet G.M.A. NO 277 p. 103.

R. De Mecquenem. Memoires XXIX p. 21.

میوه چینی:

میوه چینی مثل بیشتر کارهای کشاورزی به وسیله زنان انجام می گرفته است. بر اثر مهر مکشوفه از شوش طرز میوه چینی را می بینیم که سه زن لباس پوشیده در مقابل درخت میوه دار ایستاده به یکدست سبدي را گرفته اند و دست دیگر را بسوی درخت برای چیدن میوه دراز کرده اند (ش: ۷۷)^۱. در مهر مکشوفه از شهر سومری (اور)^۲ در بین النهرین دو تن در حال چیدن خرما از درخت نخل هستند و خدای فراوانی در مقابل درختی بر تخت نشسته است. صاحب مهر برای برداشت محصول بیشتر چنین مهری تهیه کرده است تا در پناه حمایت خدای فراوانی ورستنی ها از آفات در امان باشد^۳.

گله داری:

بر مهرهای استوانه ای و اثر مهرها نقوش متنوعی از گله و رمه و گله داری و شبانی نقر است. در بعضی از نقوش حیوانات به ردیف منظم در پی یکدیگر در حرکت هستند یا شبان در بین چهار پایان که به چرا مشغولند دیده می شود. در اثر مهری مرد گله دار بسته علوفه را به دهان گاو نزدیک می برد (ش: ۷۸-۷۹).

۱- اثر مهر در موزه لوور (Louvre) است. برای مزید اطلاع به. Memoire XXIX (شکل ۱۸) مراجعه شود.

۲- (UR) در این منطقه کاوشهای علمی به ریاست (Sir Leonard) از سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ انجام گرفته است.

3— P. Amiet G.M.A. NO 1346.



۸۵

- ش: ۸۱-۸۰. شوش اواخر هزاره چهارم- اوایل هزاره سوم پ-م.
 ش: ۸۲. سیلک (سطح چهارم) اواخر هزاره چهارم- اوایل هزاره سوم پ-م.
 ش: ۸۴-۸۳. شوش اواخر هزاره چهارم- اوایل هزاره سوم پ-م.
 ش: ۸۵. شوش اواخر هزاره چهارم- اوایل هزاره سوم پ-م.

در صحنه‌ای دیگر چوپان بخت در میان دو بز نشسته و با دستهایش شاخ بزها را گرفته و یک نفر دیگر که ظرفی در مقابل خود دارد، حاضر برای دوشیدن است. در اثر مهر دیگری دوزن در حال دوشیدن بزها هستند و شیر را درون ظرفهای زیبایی می‌ریزند.

در صحنه‌ای دیگر گاوچران گاوها را که شیرشان دوشیده شده از مزرعه که شاخه درختی نماد آن است به طویله گاوها می‌برد و زنان شیر را در ظروف مخصوصی می‌ریزند. (ش: ۸۰-۸۳)^۱.

در پاره‌ای از مهرها، بین چهار پایان، حیوانات وحشی مانند شیر و گراز و پرندگان چون شاهین دیده می‌شوند. شاهین مظهر خدای آسمان و شیر مظهر قدرت زمینی است، لذا در این صحنه‌ها حیوان و پرنده حامی و مستحفظ گله و رمه‌اند. در نقوشی که جنبه اساطیری دارد حیوان وحشی در حال حمله به چهار پایان است و مردی که حامی حیوانات است چماق بدست به راندن آنها مشغول است (ش: ۸۴)^۲.

در نقوش این دوره گاهی حیوانات و گله و رمه به مانند انسانها روی دو پا نشسته یا ایستاده‌اند، چنانکه گوئی با یکدیگر به گفتگو مشغولند (ش: ۸۵).

بطور یقین این صحنه‌ها معنای نمادی داشته و مهر مقدس و متبرک است.

نوع دیگری از این صحنه‌ها که به صورت مضحک نقش گردیده است،

۱- اثر مهر مکشوفه از شوش و سیلک.

۲- اثر مهر مکشوفه از شوش (موزه لوور).

معرف حکایات عامیانه مورد توجه مردم بوده و تصاویر و مضامین بقالب حیوانات در آمده است.

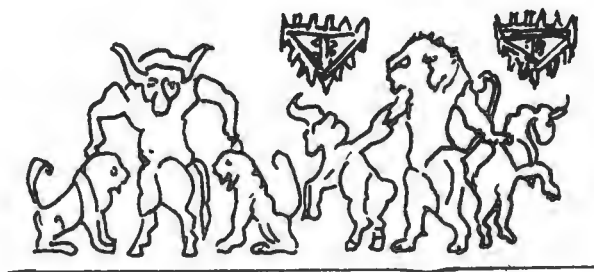
در بعضی از این نقوش شیر دو دست و پنجه را بالا نگهداشته، مانند باربری که باری را به وسیله دستها و سر خود حمل می کند، یک ردیف نقوش گلوله مانند مطابق مثلث شکل که معرف کوه است، بر سر و دست نگهداشته است. در فاصله بین سلسله کوه ها درخت کاج مظهر سرسبزی، از دره سر کشیده است. شیر در این قبیل نقوش موکل و نگهبان کوه و دره است و اوست که با نیروی فوق العاده خود توانسته کوه ها را از فنا و فرو ریختن باز دارد.

در صحنه دیگری شیر و گاومیش ایستاده اند و نقش مثلث شکل دندانه داری که محتمل است نمادی از توازن دنیا، تناوب روز و شب و فصل ها باشد، دیده می شود (ش: ۸۶)^۱.

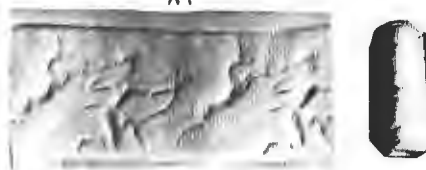
۱- از این نوع نقوش بر اثر مهرهای مکشوفه از کاوشهای شوش بدست آمده است.

فصل پنجم شکار و صید

ابتدائی ترین مهرهائی که ارتباط به شکار دارد مهرهای مدور یا استوانه ای شکل یا اثر مهر است، که صحنه شکارگاه را به صورت مختلف نشان می دهد. در این نقوش سگ شکاری را می بینیم که در تعقیب بز کوهی است، یا شکارچی که به وسیله خطوطی ساده ترسیم و مجسم شده، در کنار سگ شکاری (تازی) و شکار قرار گرفته است. در چند اثر مهر مکشوفه از شوش یا مهرهای مدور و چهار گوش گلی و سنگی تپه گیان. شکارچی به صورت رام کننده حیوانات بنظر می رسد، یا شکارچی برهنه در بین شکار (بز کوهی) و سگ ایستاده است. در چند مهر مدور دکه ای شکل یا چهار گوش به سر شکارچی یک یا دو شاخ نصب است. در زمینه مهر قرص خورشید قرار دارد. بر مهرهائی در کنار شکارچی و شکار، مار دیده می شود، یا مار بز کوهی را محصور کرده است. این نوع نقوش جنبه مذهبی و اساطیری دارد و رب النوع شکار مانند انسان عادی برهنه یا لباس پوشیده ولی شاخدار نشان داده شده است.



۸۶



۸۷



۸۸



۸۹



- ش: ۸۶. شوش. اوایل هزار سوم پ-م.
 ش: ۸۷. چغامیش. اواخر هزاره چهارم پ-م.
 ش: ۸۸. شوش. اوایل هزاره سوم پ-م.
 ش: ۸۹. دامغان (لرستان) اواخر هزاره دوم پ-م.

شاخ علامت برتری و قدرت زبرین و آسمانی است و قهرمانان افسانه‌ای در سده‌های بعد با شاخ ظاهر می‌شوند.^۱

قرص خورشید علامت روشنی و دنیای دیگر است که شکارچی را حمایت می‌کند و مار تهدید کننده شکار است تا هرچه زودتر بدام شکارچی درآید.

لذا توفیق صاحب مهر ذر پناه چنین نقوشی در امر شکار مسلم است (ش: ۸۷).

در صحنه‌هایی شکارچی با لذت فراوان به شکار حیوانات وحشی مشغول است و گاهی با نیزه چوبی که سر نیزه آن بدون تردید از مس است، حیوان وحشی را نشانه کرده است. از اواسط دوره عیلامی تیر و کمان برای نابودی و شکار حیوانات مختلف مورد استفاده قرار گرفته است (ش: ۸۸).

در این نقوش بزکوهی، شیر، گاومیش و گراز مورد حمله شکارچی واقع شده‌اند و اغلب سگ شکاری که در انتظار از پای درآمدن شکار است در کنار شیر یا گراز و یا بزکوهی که تیر به آنها اصابت کرده است دیده می‌شود. بر لوحهای محاسبه مکشوفه از شوش از دوره آغاز شهرنشینی جدید نیمه دوم هزاره چهارم پ. م. اثر مهرهایی صحنه شکار بز وحشی، گراز و شیر را نشان می‌دهد. این الواح مهمور شده از جانب شکارچی سندی برای خریدار و تضمینی برای اوست.

بر مهرهای مکشوفه از (سرخ دم) و (دلفان) در لرستان صحنه شکار به طرز

بسیار جالب و زیبایی فقر است. در مهری از دلفان (حدود اواخر هزاره دوم پ. م.). شکارچی با چابکی زیاد که از حرکات بدن او نمایان است. تیری به سوی بز کوهی که سر را به عقب برگردانده با سرعت در حرکت است، رها کرده است. بین شکارچی و بز کوهی ستاره‌ای فقر است (ش: ۸۹)

در مورد ماهی و صید گفتنی است که ماهی از هزاره چهارم پ. م. بر مهرها نقش بسته است که کهن‌ترین آنها متعلق به شکارچی و صیاد است که بنا بر خواسته صاحب مهر برای به دست آوردن شکار و صید نقش بز کوهی مظهر فراوانی با ماهی در کنار رب النوع حامی حیوانات و شکار و صید قرار داده شده است، تا با داشتن چنین مهری، مورد عنایت رب النوع قرار گیرد و به سهولت به صید و شکار دست یابد. بر مهرهای استوانه‌ای اواسط هزاره چهارم تا اوایل هزاره سوم پ. م. نقش ماهی در چند ردیف کنار یکدیگر قرار دارند، به وضعی که گوئی در آب شناورند بر اثر مهرهائی که از شوش بدست آمده نقش زیبایی مشاهده میشود. که در رودخانه‌ای با ساحلی انبوه از درختان، ماهی‌ها در پی یکدیگر شنا میکنند^۱.

بر اثر مهر دیگری صیادان لخت در برگشت از صید، ماهی‌ها را از قایق بیرون می‌آورند، یکی از آنان ماهی بزرگ را با دودست حمل می‌کند و دیگری طشتکی یا سبدی که ماهیها را درون آن جا داده، بر روی سر نگهداشته است. در زمینه مهر طرح یک ماهی مظهر صید قرار دارد

1— L. Delaporte C.C.O PL 45 (S—368).

(ش: ۹۰-۹۱).

در بعضی از نقوش صیاد با قایق در پی صید ماهی است و برای صید چنگک به دست دارد یا تور ماهیگیری درون قایق است، در نقوش دیگر، شکار و صید یکجا انجام می گیرد، صیاد چنگک در دست در صدد گرفتن ماهی است و پرنده ای در پرواز است و مرد قایق ران پارو می زند.^۱

در اثر مهری از این دوران تور ماهیگیری نشان داده شده که درون تور پر از ماهی است. گاهی در صحنه مهر علاوه بر قلاب، چنگک ماهیگیری و تور، صیاد با دست نیز ماهی می گیرد، لذا چنین به نظر می رسد که محل صید مرداب یا رودخانه کم عمقی است که می شود به سهولت و به وسیله دست، ماهی گرفت. در صحنه مهر خدایان مکرر نقش ماهی دیده می شود، خدای صید بر تخت نشسته ماهی به دست دارد، یا مقابل وی ماهی بر روی میز هدایا است و یا در زمینه مهر یک یا چند ماهی نقر است.

ماهی مظهر خدای رودخانه و مرداب است و در مراسمی، خادم از طرف پرستش کننده ماهی را به خدا که بر تخت نشسته، تقدیم می دارد.

فصل ششم

اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم پ-م.

نقش گله مقدس بر مهرها با موضوعات مذهبی پرندگان، معابد بالدار، حیوانات افسانه‌ای و قهرمانان و غولها از لحاظ هنری بسیار جالب است. در صحنه مهرها انواع حیوانات اهلی و وحشی و پرندگان دیده می‌شوند. گوسفند و بز و قوچ و گاو و بز کوهی در حال گردش و چریدن در صحرا و آرمیدن در چراگاه هستند. در موضوعات مذهبی چارپایان به وضعی آرام به ردیف در کنار آغل مقدس ایستاده‌اند این آغل با علامت ربه النوع (اینا نا ایشثار)^۱ که مانند علم (بیرق) در کنار یا بالای آغل یا محلی که جایگاه رب النوع حامی گله مقدس است قرار دارد. (ش: ۹۲).

۱- الهه سومری که در عیلام مورد احترام بوده و مقام ربه النوع احمی را داشته است.
ر. ک. پ. آمیه. عیلام. ترجمه شیرین بیانی. (اسلامی) ص. ۴۸.



۹۰.



۹۱



۹۲



ن: ۹۰-۹۱. شوش. هزاره چهارم پ-م.

ن: ۹۲. شوش. اوایل هزاره سوم پ-م.

ن: ۹۳. شهداد. اوایل هزاره سوم پ-م.

در کاوشهای بین النهرین در (تلو)^۱ در حوالی معبدی از این نوع علامت که از مس است، کشف شده است. لذا چنین بنظر می رسد که علامت خدای ایشتار از این سرزمین به عیلام و سپس نواحی مسکونی زاگرس نفوذ کرده است. زیرا بارها در نقوش عیلامی به این علامت بر می خوریم که بر فراز معابد قرار دارد و در قرون بعد در کنار خدایان دیده می شود. این علامت به شکل نیزه یا دیرک است که بالای آن گوی وصل است، گاهی بجای یک گوی چند گوی و نواری از آن آویزان است. الهه مادر در بین النهرین به صورت الهه ایشتار در آمد و در معبد خدایان بابلی مقام بزرگی داشت. زیرا بنا بر اعتقاد آنان وی الهه زمین و توالد و تناسل و ادامه حیات است.

در کاوشهای شهاد، مهر استوانه‌ای بسیار جالب توجه‌ای با نقش خدای حامی گله مقدس کشف گردیده است. در صحنه مهر الهه روئیدنی‌ها که از بدن او خوشه‌های گندم روئیده است، بر زمین نشسته و در مقابل او خدای حامی حیوانات و گله‌ها با کلاه شاخدار ایستاده است. در زمینه مهر درخت که مظهر الهه است و گله‌ای مرکب از بزها و قوچ‌ها در نهایت آسایش به استراحت و چرا مشغولند. پیش پای خدا و الهه بره‌ای دیده می شود که بی گمان خدای حامی گله این حیوان را برای قربانی کردن به الهه روئیدنی‌ها اهداء می کند (حدود هزاره سوم پ. م.) (ش: ۹۳)^۱. بر مهرهای استوانه‌ای شکل و اثر مهرها نقش پرندگان دیده می شود. از سیلک در کاوش سطح چهارم تپه مهر

Tello — ۱

۲- رک: دشت لوت (ص - ۳۵)

استوانه‌ای شکل بدست آمد که پرندگان در دو ردیف به حالت بسیار زیبایی در حرکتند و در بین آنان ستاره‌هایی نقراست. گاهی پرندگان به خصوص شاهین که پرنده‌ای قوی و بلند پرواز است و به اعتقاد انسانهای اولیه پرنده آسمانی است که زمین و موجودات را حمایت می‌کند. با بالهای گشوده بر بالای صحنه گله مقدس با نقوش حیوانات مشاهده می‌شود. در نقوش غولها و حیوانات افسانه‌ای گاهی شاهین به صورت نشانه برتری و مظهر خدای توانائی ظاهر می‌شود. نقش شاهین با بال گشوده بر مهرهایی مکشوفه از شهداد (اواسط هزاره سوم پ. م.) نقراست^۱ این پرنده در عیلام جزو مظاهر این شوشیناک^۲ خدای حامی شوش در آمد. و خدای حامی نه تنها انسانها را مورد نظر داشت، بلکه حیوانات وحشی و اهلی را در پناه قدرت خویش نگهداری می‌کرد.^۳ بر مهر استوانه‌ای شکل مکشوفه از شوش دوره آکاد (اواسط هزاره سوم پ. م.) نقش اساطیری کاملی نشان داده شده است. در این صحنه ربه النوع بر تخت نشسته و بالای سرش سر گاومیش قرار دارد. از دوش او دو مار سربلند کرده‌اند و در مقابل او یک خادم زن زانو به زمین زده است. در کنار تخت و خادم چند پرنده در حرکتند. در پشت ربه النوع دو مار دیده می‌شود، که بین آنها در وسط، میز بخور سوز است که در بالای

۲- ایضاً (ص - ۳۴)

2— In Shvshinak

۳- رک: «شاهین فرایزدی.» ملک زاده بیانی مجله بررسی‌های تاریخی شماره یک سال هفتم (ص - ۱۵ - ۲۴)



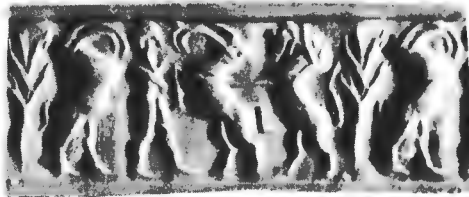
۹۴



۹۵



۹۶



۹۷

ش: ۹۴. مجموعه خصوصی (اواسط هزاره سوم پ-م).

ش: ۹۵. شوش. (اواسط هزاره سوم پ-م).

ش: ۹۶. تپه یحیی (اواسط هزاره سوم پ-م).

ش: ۹۷. شوش دوره آکاد (حدود ۲۳۴۰ پ-م).

آن نیم تنه گاو میش واقع است. در زمینه مهر در قسمت بالا شاهین دیده می شود که روی بالهایش مردی نشسته و مار و چنگ و زنی مار بدست زانو به زمین زده است. نقش این مهر تمثیلی از وقایع اساطیری و مذهبی است و مرد صاحب مقام سوار بر پشت شاهین که مظهر عظمت آسمانها است تا درخواست باروری همسر خود را بوسیله شاهین از خدایان نماید حضور ماران متعدد در زمینه مهر نمادی از باروری است (ش: ۹۴)^۱

در بسیاری از مهرهای دوره عیلامی میانه مکشوفه از شوش لرستان و چغازنبیل^۲ در صحنه های مذهبی مرغان و به خصوص شاهین به حالات و اشکال مختلف دیده می شود. در مهر استوانه ی مکشوفه از شوش خدایان فراوانی و رستنی ها، مشاهده می شوند که شاهین با بال گشوده آنانرا حمایت می کند (ش: ۹۵).

مهر بسیار جالبی از کاوش های تپه یحیی به دست آمده است که نقش آن دو تن از خدایان زن و مرد را نشان می دهد که در کنار هم نشسته اند و دور و بر آنان به وسیله بال شاهین تزئین یافته است.

این خدایان مظهر آفرینش بشری هستند که به وسیله بالهای شاهین مورد حفاظت و حمایت ایزد آسمانها قرار دارند (ش: ۹۶)

۱ — Comple rendu du 11 em Congrès Assyriologique Internationale. Nederland Institut. Leiden 1964.

۲ — تپه چغازنبیل مرکز مذهبی شهر (دوراوتاش) است که در حدود قرن سیزده پیش از میلاد به وسیله شاه عیلامی اونتاش گال (Untash—Gal) بنا گردید. رک: M.D.A.

E. Porada تألیف Tchoga—Zanbil T. La Glyptique

در نقوش دیگری شاهین با بالهای گشوده بر پشت گاومیش نقراست. این نقش معرف در معبد آسمانی است و گاومیش نگهبان معبد است. بر مهرهای دیگری معابد بالدارى نقش شده که به طور یقین این نوع مهرها مبین و نشانه موضوعات اساطیری است. بعضی از باستانشناسان این بالها را شعله آتش می دانند و رمزی از خورشید که در معبد قرص خورشید را پنهان داشته است. این استدلال منطقی نیست زیرا بر بالای بعضی از این طرحها بال و در معبد خورشید یا ستاره نیز نقراست. لذا چنین بنظر می رسد که بالها مظهر موجودات آسمانی مشابه شاهین و نشانه ای از قدرتهای پنهانی است که در کنار معبد آسمانی قرار دارد. ضمناً باید متذکر گردید که معابد آسمانی یا فلکی را نظیر معابد زمینی منقوش می کرده اند.

در موضوعات اساطیری، حیوانات به اشکال مختلف ظاهر می شوند. گاهی شیر و گاومیش در مقابل یکدیگر روی دو پا ایستاده اند یا با یکدیگر گلاویز شده اند. در صحنه هائی قهرمانان، مانند گیلگامش^۱ به صورت مردی قوی با شیر و گاومیش در جدال است یا قهرمان سومری

۱- Ghilgamesh قهرمان افسانه ای (اوروک) درباره او چنین آمده است: کیلگامش شاه بود و شکارچی بزرگ حیوانات وحشی، به این دلیل حمایت کننده گله و حیوانات اصلی گردیده و سمت قهرمانی و خدای نعمت یافت». رک:



۹۸



۹۹



۱۰۰

ش: ۹۸. شوش دوره آکاد (حدود ۲۳۴۰ پ-م).

ش: ۹۹. شوش (حدود ۲۳۰۰ پ-م).

ش: ۱۰۰. شوش (حدود اواخر هزاره سوم پ-م).

انکیدو^۱ به صورت نیمه انسان و نیمه حیوان (بدن حیوان و سر انسان با شاخ گاو دارد)، با شیر یا گاو میش و یا حیوانات عجیب الخلقه به زد و خورد مشغولند (ش ۹۷:۹۸)

بر اثر مهری که از فرمانروای عیلام بنام اشیوم^۲ (حدود ۲۳۰۰ پ.م.) در شوش کشف گردیده است. در کنار نوشته مهرشش انسان برهنه که کلاه شاخدار بسر دارند با یکدیگر در جدال اند. هر یک از این افراد مظهر یکی از ایزدان نگهبان عناصر کیهانی هستند که مناقشه بین آنها تعادل جهان را حفظ کرده است^۳ (ش: ۹۹).

مجموعه این قبیل نقوش و تصاویر حیوانی به صورت واقعی یا افسانه‌ای و عجیب الخلقه، رکنی از عناصر فلکی را تشکیل می‌دهند که ارکان دنیا بر پایه موجودیت آنها قرا گرفته و با تغییر شکل ظاهری، در مبادی و موقع آنها تغییراتی حاصل می‌گردد.

نقش گیلگامش فاتح غولان و حامی انسان و حیوان که پس از قدرت نمائی‌ها در سومر، در عیلام نیز جزوخدایان درآمد، در سایر نواحی ایران مانند لرستان نیز پذیرفته شد و مقام ممتاز خود را حفظ نمود. در آثار برنزی لرستان و مهرها از هزاره دوم پ.م. تا حدود اوایل هزاره اول پ.م. این

۱— Enhidou «قهرمان افسانه‌ای سومری که بدن حیوان و سر انسان با شاخ گاو دارد». رک: مطالعه یک مهر ساسانی و مختصری از تاریخ پیدایش مهر. فصلی از مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی سال ۱۳۳۴. ملک زاده بیانی (ص ۱۳)

2— (Eshpum)

۳— رک: عیلام ترجمه شیرین بیانی، اسلامی ندوشن (ش ۴۸).

قهرمان لخت است یا با کمر بندی به کمر دارد. با کلاه شاخدار و دامن (نوعی لنگ) دیده میشود که به رام کردن شیر و مار مشغول است. در صحنه ای او دو شاخه انار بدست دارد. لذا بدون تردید این قهرمان بزرگ افسانه های کهن فقط به صورت های انسان و حیوان نشان داده نشده بلکه خدای نعمت و برکت نیز بوده است. لذا با چنین امتیازی نقش او بر مهرها و آئینه های برنزی و بت ها و دهانه های اسب و انواع سنجاقهای لرستان دیده می شود.^۱

بر مهرهایی از این دوره نقش حیوان عجیب الخلقه یا نوعی غول می بینیم که تنه شیر و سرو پای مرغ دارد. علامت خورشید و درخت و حیوان که نشانه روئیدنی ها و فراوانی است در زمینه آن قرار دارد.

مهرهایی که نقوش آن از طبیعت الهام گرفته با سبک مشخصی، با مظاهر طبیعت تزئین یافته است. درخت مقدس که مظهر زندگی است و بز کوهی که مظهر فراوانی است در صحنه مهر جا دارند. یا درخت بر تپه ای قرار دارد و رب النوعها در کنارش ایستاده اند. گاهی به جای درخت رب النوع روئیدنیها که شاخه درخت بدست دارد دیده می شود، یا او در کنار درخت ایستاده است (ش: ۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲).

مهری از دوره آکاد، مکشوفه از شوش، صحنه اساطیری قابل توجهی را به

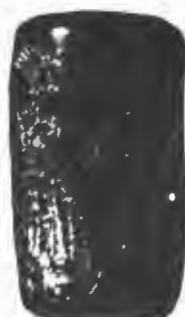
۱- Art de l'Iran تألیف A. Godard (ص ۳۸). «بر روی صفحه مدور برنزی مکشوفه از لرستان، گیلگامش دو شاخه که چهار انار به آن آویزان است بدست دارد. با در دست داشتن انار که مظهر فراوانی است گیلگامش بصورت حامی کشاورزان در آمده است».



۱۰۱



۱۰۲



۱۰۳



- ش: ۱۰۱. شوش (اوایل هزاره دوم پ-م).
 ش: ۱۰۲. شوش (اوایل هزاره دوم پ-م).
 ش: ۱۰۳. (دوره آکاد) حدود ۲۳۰۰ پ-م.

نظر می‌رساند. دورب النوع که هریک کلاه شاخدار بسر دارند با گرز و خنجر ایستاده‌اند و شاهینی را منکوب و مضروب می‌سازند. بدون تردید این دو، موکل تباهی و نابودی‌اند که شاهین مظهر قدرت آسمانها را از پای در آورده‌اند.

ولی جسم شاهین دگرگون شده بین ماه و ستاره مظهر خدایان روشنائی حفاظت می‌شود. این صحنه مبین زد و خورد خدایان و ناهم‌آهنگی قدرتهای ما فوق الطبیعه است (ش: ۱۰۳).

از اواسط هزاره سوم پ. م. خدایانی که به صورت حیوانی تجسم می‌یافتند بصورت نیمه انسان و حیوان در آمدند مانند خدای مار که سر و نیمه تنه اش انسان و نیمی دیگر مار است که به طرز جالبی پیچ در پیچ بر روی هم قرار گرفته و به صورت تخت در آمده است.

مار در نقوش مختلف معانی خاص دارد، چنانکه دو مار که به یکدیگر پیچیده و درهم گره خورده‌اند مظهر باروری است. نمونه بارز آن نقش برجسته بر روی ظرفی است که از کاوش تل ماری^۱ در بین النهرین بدست آمده است. در این نقش زنی در کنار درخت خرما چمباتمه نشسته و ماری از ساق پای وی بالا می‌رود. بی شک این وضع کنایه و رمزی از مار بارور کننده یا آبستن کننده است.^۲

۱- Mari در ساحل راست فرات در نزدیکی ابوکمال واقع است. آثار مهمی از هزاره سوم و هزاره دوم پ. م. از کاوشهای انجام گرفته به وسیله هیئت باستانشناسی فرانسوی بدست آمده است.

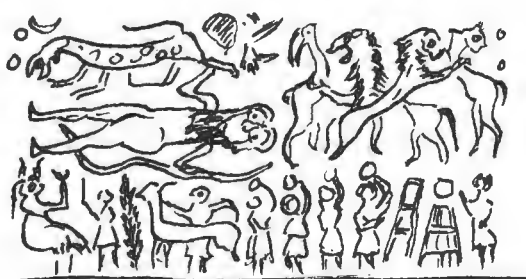
2— A. Parrot-Revue Syria (30) 1953 p. 203.

گاهی مار تهدید کننده حیوانات وحشی و گله و رمه است که معمولاً در این صحنه ها قهرمانان یا خدای حیوانات برای حمایت آنان و دفاع در کنار مارها دیده می شوند، یا مانند مهر استوانه ای مکشوفه از شوش قهرمان رام کننده برهنه که چندین برابر انسان معمولی است در وسط صحنه خوابیده و با دو دست ببر و مار را به فرمان خود در می آورد. در این صحنه اساطیری بر گرد قهرمان (گیلگامیش) در یک طرف دو شیر به دو بز کوهی حمله و رند و در قسمت پائین خدای رستنی ها بر تخت نشسته خادم به او شاخه ای می دهد. در پشت خادم درخت و بز کوهی مظهر روئیدنی ها قرار دارند به همراه چهار نفر که هر یک حلقه خورشید که مظهر افلاک در آسمان است، و نوعی میز قربانی یا برج عبادتگاه نیمه ساخته که مردی در مقابلش با خضوع و خشوع ایستاده است دیده می شود. (ش: ۱۰۴). در مواردی مار نمایانگر آب های زیرزمینی است و پیچ و تاب بدن او جریان آب و پیچ و خم نهرها و رودخانه ها و قنوات را مجسم می سازد^۱. بیشتر اوقات در صحنه این قبیل مهرها نقش ستاره که مبین روشنی آسمان در شب است دیده می شود^۲. خمیدگی بازوهای خدای مار و باز بودن انگشتان وی نماد و رمزی از جریان آب روان و اعوجاج آن در مسیر پر پیچ و خم رودهاست.

بر مهرهای استوانه ای مکشوفه از شوش خدائی که بر کائنات فرمانروائی دارد. بر تخت نشسته و خادم در نهایت احترام و خضوع در مقابلش

۱- مهر استوانه ای سنگی مکشوفه از سکرآباد (دشت قزوین) مارهایی بردیف در کنار هم دیده می شوند که مبین قنوات و جویبارها هستند. (موزه ایران باستان)

2— PH. Ackerman. Survey of Persian art. Vol. XIV 1960.



۱۰۴



۱۰۵



۱۰۶



۱۰۷

کتابخانه تخصصی باستان

ش: ۱۰۴. شوش اوایل هزاره دوم پ-م.
ش: ۱۰۵-۱۰۶. شوش دوره آکاد (حدود ۲۳۰۰ پ-م).
ش: ۱۰۷. شوش (اوایل هزاره دوم پ-م) یا دوره آکاد.

ایستاده است. بین خدا و خادم میزی قرار دارد که بر بالای آن ستاره و هلال ماه نقر است. در پشت خادم مار چنبره زده و رو بسوی خدا نموده است و چنین به نظر میرسد که خادم رابط، مار را به سوی او هدایت میکند. (ش-۱۰۵).

در مهرهای دیگر خدای مار بصورت نیمه انسان و نیمه مار جلوه گر است و به سر وی تاجی است که با دو شاخ نشانه برتری، تزئین یافته است. در این نقوش پیچ و تاب مار بصورت تختی به نظر میرسد و اطراف او معمولاً خادم یا پرستش کننده دیده می شود. بر مهر بسیار جالبی خدای مار که در پشت وی درخت سروی نمایان است دست به سوی ظرف پایه دار زیبایی که از درون آن آب فوران دارد و دو رشته آب روان است دراز کرده است و پرستش کننده در مقابل او ایستاده و دست را به حال احترام بلند کرده است. (ش-۱۰۶)!

بر مهر استوانه ای دیگری در مقابل خدای مار شخص دیگری که مقام بزرگ روحانی دارد نشسته است. در کنار وی دری که مظهر عبادتگاه است دیده می شود و بر مهر دیگر خدای مار در کنار عبادتگاه با خادم یا روحانی بزرگ عبادتگاه که در مقابلش ایستاده صحبت میکند. آنچه در این اثر قابل تعمق و توجه است سر مار است که به سوی عبادتگاه راه یافته است. طرح این نقش به این ترتیب کنایه ای از ارتباط خدی مار با خدایان دیگر و راه یافتن و پذیرش وی در جایگاه آنان است. لذا صاحب مهر در پناه چنین نقشی میتواند خود را از خطر خشکسالی دور بدارد (ش-۱۰۷-۱۰۸).

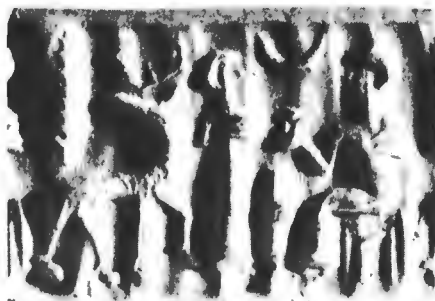
فصل هفتم

اواسط هزاره سوم و هزاره دوم پ.م.

نقش مهرهای استوانه‌ای این دوران صحنه‌های مذهبی و مجالس مهمانی خدایان را نشان می‌دهد. ویرانی شهر مهم اور در کله بوسیله عیلامیها در اواخر هزاره سوم پ. م. موجب گردید که رابطه تجارتي بین عیلام و شهرهای بین‌النهرین در محیط وسیعتر و آرامتری انجام گیرد. گرچه در دوران‌های گذشته تجارت و مبادله کالا بین شوش و بین‌النهرین از طریق خلیج فارس برقرار بود و چوب و فلزات، مس و سرب و سیم و زر که از نقاط مختلف فلات ایران و عیلام بدست می‌آمد به بین‌النهرین برده می‌شد و در عوض کالاهای دیگر از جمله محصول زراعتی به ایران صادر می‌گردید. در الواح بابلی درباره این معاملات حتی از نقاطی که فلزات بدست می‌آمد نام برده شده است. با قدرتی که عیلام پیدا کرد و چنانکه رسم آن دوران بود، بسیاری از آثار سومری بخصوص مجسمه خدایان به شوش منتقل گردید. زیرا بنابر اعتقاد مردم آن روزگار مجسمه خدایان و ارباب انواع می‌توانست مردم آن سامان را



۱۰۸



۱۰۹



۱۱۰



۱۱۱

ش: ۱۰۸. شوش (اواخر هزاره سوم پ-م) دوره آکاد
ش: ۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱. شوش اوایل هزاره دوم پ-م).

مورد حمایت قرار دهد. لذا مجمع خدایان سومری و بابلی نیز به این طریق به مجمع خدایان عیلامی پیوست و بر نقوش مهرها راه یافت و نقر گردید. تعدادی از مهرهای مکشوفه از شوش (هزاره دوم پ.م.) صحنه‌های مذهبی بسیار متنوع و زیبا و جالبی را نشان می‌دهد.

بر این مهرها خدا و پرستش کننده یا خدا و خادم و مؤمن دیده می‌شوند، معمولاً خدا نشسته و خادم و مؤمن یا پرستش کننده در مقابل او به حال احترام ایستاده‌اند. لباس خدایان بلند و یا چین دار و مطابق است^۱ و کلاه آنان به صورت نوعی عمامه یا تاجی است که با دو شاخ زینت یافته است.

علامت شناسائی هریک از خدایان به وسیله مظاهری که در زمینه مهر یا در دست وی یا در دست خادم رابط قرار دارد، نمایان شده‌اند یا خدا بر تخت نشسته و بر روی میز یا مقابل وی حیوانی که باید قربانی شود و پرنده و بزغاله یا ماهی قرار دارد، در کنار خدا شاخه درخت، یا نخل بارور و در بالای سروی ماه و ستاره نقر است (ش: ۱۰۹-۱۱۰)

در بعضی نقوش خادم یا خادم رابط از طرف پرستش کننده، حیوان قربانی را اهداء می‌کند و در صحنه‌های دیگر بر فراز تپه درخت بی برویا درخت با شکوفه و میوه قرار دارد، خدا که در مقابلش خادم و بین آنها مرغی ایستاده، جام زیبایی بدست دارد، در این صحنه‌ها جام آب و درخت، نشانه زندگی و حاصلخیزی است. (ش: ۱۱۱) گاهی مظاهر

۱- ملک زاده بیانی وضع «لباس و تزئینات زنان در ایران قبل از دوره

هخامنشی». مجله تلاش سال ۱۳۴۹ (ص: ۴۹ - ۵۲)

خدایان به صورت کنایه‌ای و رمزی و گاهی به صورت واضح نشان داده شده است. چنانکه در اثر مهری از شوش (حدود هزاره سوم پ. م.) خدای خورشید (شمش) ایستاده با دودست بزکوهی را گرفته تا از گزند دو حیوان افسانه‌ای که به جدال مشغولند برکنار باشد. در پشت وی علامت خورشید قرار داد^۱ (ش: ۱۱۲).

در نقش مهر دیگری از دوره آکاد، مکشوفه از کاوشهای شوش (شمش) خدای روشنی و عدالت بر روی دو گاو خوابیده ایستاده، و با دستهای شاخهای آنها را گرفته است و از دوش‌های او اشعه‌هایی ساطع است. محتمل است که این چنین نقشی مبین طلوع آفتاب باشد. (ش: ۱۱۳)

در مهر دیگری (شمش) خدای خورشید به عنوان خدای عدالت و قضاوت با لباس راه راه بر تخت چهار پایه مانند نشسته و خادم رابط پرستش کننده را به او معرفی می کند.

مظهر شمش چند شعله است که از شانه او به طرف بالا ساطع است در نقشی دیگر خدای خورشید بین دو در معبد که معرف شرق و غرب یا طلوع و غروب خورشید است قرار دارد (ش: ۱۱۴).

در مهری از جنس خمیر شیشه مکشوفه از شوش، خدای خورشید به صورت انسان پرستش کننده در مقابل شعله‌های فروزان آتش که از درون مجمر بسوی بالا زبانه کشیده ایستاده دست خود را به سوی شعله‌ها برده است. این مهر استوانه‌ای (اواسط هزاره دوم پ. م.). ضمن معرفی خدای خورشید بیانگر نوعی پرستش آتش است.

۱- کلمه خورشید (شمس) (اود = U D از نقش مظهر وی گرفته شده است.



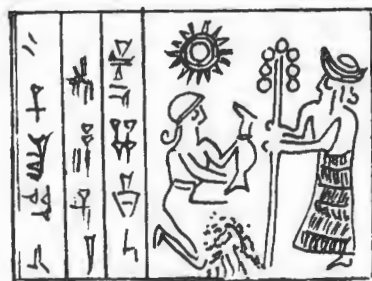
۱۱۳



۱۱۲



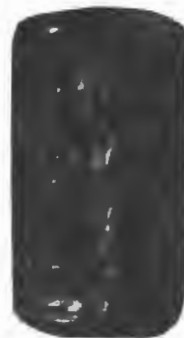
۱۱۴



۱۱۵



۱۱۶



- ش: ۱۱۲. شوش (اوایل هزاره سوم پ-م).
 ش: ۱۱۳. شوش دوره آکاد. (حدود ۲۳۰۰ پ-م).
 ش: ۱۱۴. شوش (اواخر هزاره سوم پ-م).
 ش: ۱۱۵. چغازنبیل (اواسط هزاره دوم پ-م).
 ش: ۱۱۶. شوش (اواخر هزاره سوم، اوایل هزاره دوم پ-م).

از زیگورات چغازنبیل^۱ مَهری با تصویر (شمش) خدای خورشید، مانند سایر خدایان با کلاه شاخدار و نیم تنه برهنه و دامن بلند با تزیینات پیچ در پیچ یافت شده است که به دودست مظهر خود را که نیزه یا دیرک بلندی مزین به هفت کِره است، به دست دارد. در مقابل او پرستش کننده با تقدیم ظرفی که به دست دارد، زانو زده و در بالای صحنه، خورشید درخشان متشکل از دایره‌های تودرتو که بر گرد آن انواری ساطع است، به نظر می‌رسد. در کنار نقش در سه ردیف، نوشته به خط آکادی که باید اورادی باشد ولی ناخواناست قرار دارد (ش: ۱۱۵)^۲.

اسب نیز مظهر خدای روشنی بوده است زیرا حرکت سریع او یادآور گردش چرخ خورشید برای مردم آن دوران بوده است، بدون تردید اسب یکی از مظاهر خدای خورشید از دوران ورود اقوام آریائی به ایران است. مهر استوانه‌ای بسیار زیبائی مکشوفه از (سرخ دم) لرستان، دو اسب در حال حرکت را که بین آنان درخت زندگی قرار دارد نشان می‌دهد^۳.

۱ — چغازنبیل یا شهر (دوراونتاش) را شاه عیلامی اونتاش گال Untash—Gal (حدود ۱۲۶۵ — ۱۲۴۶ پ—م). در دوره‌ای که تجدید حیات عیلام بود، بنیاد نهاد. این شهر که بر بلندی تپه‌ای ساخته شده محل سکونت شاهان و مرکز مذهبی بود. از جمله آثار مکشوفه (زیگورات). معبد برج مانند مطبق. جایگاه خدایان است، که ضمن خاکبرداری و کاوش تعدادی مهر استوانه‌ای که از سوی زائران و پرستش کنندگان به معبد اهداء شده بود بدست آمد.

2 — E. Porada. Tchoga—Zanbil. La glyptique p. 32.

۳ — موزه ایران باستان

خدای ماه (سین)^۱ که مظهر آن هلال است بر مهرها و نقوش کنده کاریها دیده می شود. بر تعدادی از مهرهای مکشوفه از شوش (اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پ.م.) خدای سین که مورد احترام و پرستش اهالی آن سامان بوده است، به صورت هلال ماه در زمینه مهرها یا در بالای سر خدایان ایستاده یا نشسته بر تخت، مشاهده می شود (ش: ۱۱۶-۱۱۷).

بر مهرهای دیگری الهه ایشتار^۲ با مظهر خود که ستاره است به وضع خدای ماه نشان داده شده است. مانند مهر استوانه ای مکشوفه از شوش که ایشتار، الهه بزرگ مهر و عطوفت عشق و جنگ، بر تخت مجلی نشسته و میزی مقابل اوست و ظرفی بدست دارد. در مقابلش خادم ایستاده پرستش کننده را که هدایائی برای تقدیم به الهه با خود آورده است، معرفی می کند، و در بالای صحنه نقش نشانه ایشتار که ستاره است نقر است (ش: ۱۱۸).

شاهان و فرمانروایان عیلام مهرهائی داشته اند که اثر آنها بر الواح گلی و قطعات گل به جای مانده و از کاوش های شوش به دست آمده است،

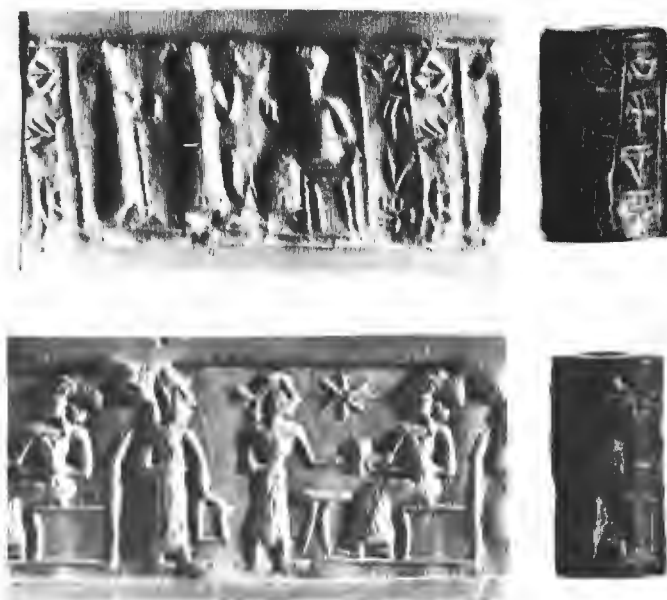
۱- (Si.n) نشانه خدای ماه، هلال است که گاهی هنرمند آنرا بصورت دایره ای که

درون آن ستاره واقع است، نقر کرده است. رک: Manuvel. D'archeologie Orientale

۲- الهه یا خدای عشق و جنگ که مورد پرستش بابلی و آشوریها بود. D.G. Contenau

نزد عیلامی ها نیز پذیرفته شد. این الهه بصورت الهه (Nana) درآمد و با ورود

آریائیها در فلات ایران به صورت الهه آناهیتا مورد پرستش قرار گرفت.



۱۱۸



۱۱۹

- ش: ۱۱۷. شوش: اوایل هزاره دوم پ-م.
 ش: ۱۱۸. شوش: اوایل هزاره دوم پ-م.
 ش: ۱۱۹. مال امیر (خوزستان) اوایل هزاره دوم پ-م.

مانند مهر (ایدادوا) فرمانروای عیلام که بعد شاه سیماش^۲ شد. (حدود اوایل هزاره دوم پ. م.)^۳

اثر مهر دیگری که از منطقه مال امیر (بختیاری) بدست آمده است، فرمانروا یا شاه عیلام را ایستاده نشان می دهد که در مقابل او، دوتن از بزرگان در حال احترام ایستاده اند.

شاه خنجر دسته داری را که نشانه تفویض مقام است به دست دارد تا به یکی از آنها بدهد. در کنار وی دوردیف نوشته به خط آکادی نقر است، و بالای سر شاه هلال ماه دیده می شود (ش: ۱۱۹).

بر قطعه گل دهانه کوزه اثر مهری در دست است که صحنه کامل اساطیری با چند تن از خدایان و مظاهر آنانرا به نظر می رساند. نقش مهر در دوردیف است، و در ردیف بالا الهه شکار بر روی دوتازی ایستاده و الهه دیگر ایشتار؛ بر روی دو شیر که مظهر اویند نشسته و در مقابلش مردی ایستاده است. در پشت مرد ایستاده هیولائی نیمه انسان و نیمه کژدم دستهایش را برای نگهداری بال موکل آسمانها که سرو پای شاهین و بدن انسان دارد بالا آورده تا به این طریق بتواند سقف آسمان را آنجائی که آفتاب در آخر دنیا غروب می کند حفظ و حراست نماید. در کنار این صحنه غولی با بدن انسان، سر گاومیش با یک نفر دیگر شاخه درختی را از ته آن گرفته اند. این وضع مبین نابودی سر سبزی روئیدنیه است.

۲- سیماش شامل منطقه شمال و شمال شرقی دشت خوزستان بود.

۳- پ. آمیه. تاریخ عیلام. ترجمه شیرین بیانی (اسلامی). شکل ۷۱.

در ردیف پائین، ایشتار روی یک شیر نشسته و الهه دیگری که مقامی کمتر دارد در مقابل او زانو زده است. در پشت این الهه چند قهرمان و شیر با یکدیگر گلاویزند. در کنار آنها دو الهه برهنه که هریک شاخه نخلی به دست دارند، شاخه‌ها را بطرف سر الهه نشسته می‌برند.

هلال ماه و قرص خورشید و ستاره که در هر دو ردیف نقراست می‌رساند که جمع خدایان و الهه‌ها و موکل‌ها و هیولاها تحت حمایت قدرت بالاتری که خدای روشنی و ماه و ایشتار باشد قرار گرفته توازنی در دنیای زمینی و آسمانی ایجاد کرده تا از فنا و نیستی حفظ شود (ش: ۱۲۰).

نوشته به خط سومری و معرف صاحب مهر است که زرگر است.

در صحنه‌های مذهبی رب النوع موکل آب مقام خاصی دارد و به حالات مختلف دیده می‌شود. گاهی نقوش حاکی از مجالس بزم است و مهمانان به وسیله نی‌های بلند آشامیدنی را که شراب یا شربت مقدس است می‌نوشند. گاهی آب بطرزی ساده به صورت دویا سه خط موازی پر اعوجاج در کنار گله و رمه یا درخت و تپه در گذر است^۲

خدای آب نزد سومری‌ها (إنکی)^۳ نام داشته و سامی‌ها او را إا^۴

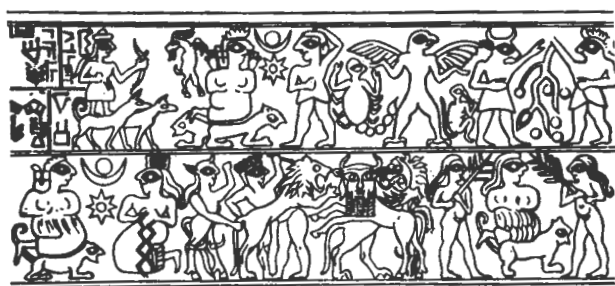
۱— P. Amiet Elam, p. 211.

۲— بهترین نمونه آن اثر نقش روی قطعه سفالی از شوش است که به نظر می‌آید رودخانه است زیرا در دو طرف مسیر آب یا کنار رود، قطعات سنگ چیده شده است که روی آنها مردانی لخت به شکار گوزن اشتغال دارند.

۳— (Enki)

رک: G.M.A.P. Amiet PII Cs. H. Frank Fort (ش. ۶۰۳)

۴— EA رک: مطالعه یک مهر ساسانی و مختصری از تاریخ پیدایش مهر، ملک زاده بیانی (ص ۱۶)



۱۲۰



۱۲۱



۱۲۲

ش: ۱۲۰. شوش (حدود سال ۲۵۰۰ پ-م).

ش: ۱۲۱. سیلک هزاره دوم پ-م.

ش: ۱۲۲. شوش (حدود اوایل هزاره اول پ-م).

می نامیدند، نشانه آن کوزه‌ای است که آب از آن بیرون می ریزد یا فوران می کند. کوزه که معمولاً بدنه کروی شکل دارد با دهانه کوچک، کنایه از آب گودال‌های ژرف است که خدای (آ) بر آن فرمانروائی دارد و این آب سرچشمه زندگی و اندیشه و عقل است.

گاهی در کنار خدای موکل آب یک نفر به صورت گیلگامش ایستاده و عصای بلند دسته داری که مظهر خدای آب است به دست دارد. او در بان جایگاه است^۱

صحنه‌های مهر متنوع است و تمام نقوش یکسان نیست، در مواردی فرمانروایان به وسیله خدای رابط به خدای زندگی و آب معرفی می شوند و خدای زندگی کوزه مدور را که از درون آن آب از دو جهت روان است به دست دارد و یا از شانه‌های وی آب فوران می کند.

بر مهر استوانه‌ای مکشوفه از سیلک (طبقه ب) هزاره دوم پ.م. مردی که موکل آب است نشان داده شده که بر تخت نشسته و بانی بلند از درون تنگ مدوری که گردن کشیده دارد آب یا مایعی می آشامد. در زمینه مهر اسب و یک اژدها و بزکوهی که بر پشت آن قرص خورشید قرار داد و یک شاهین دیده می شود^۲ (ش: ۱۲۱).

در صحنه مهر استوانه‌ای عیلامی جدید (اوایل هزاره اول پ.م.) در مجلسی خدا بر تخت مجللی نشسته و تنگی بدهان می برد. مقابل وی میزی است که تنگ‌های کوچک و بزرگ روی آن چیده شده و دو خدمتگزار یکی بادبزی را برای راندن مگس بدست دارد و دیگری که

1— G. Contenau M.A.O p. 622—623.

2— R. Ghirshman. Foville De sialk. T. II p. 63.

کوچکتر است تنگی را به دهان می برد. در بالای صحنه علامت ایشтар نقر است^۱. (ش: ۱۲۲).

در مهرهائی خدای آب که خدای زندگی است و ظرف آب را که چشمه زندگی جاودانی است در دست دارد، همطراز استارته^۲ الهه فینیقی یا ایشطار بابلی، نقر گردیده است که این الهه بخشنده زندگی و به وجود آورنده رودخانه ها و فعال مایشاء و فرمانروای آب در زمین و آسمانهاست و نزول باران به اراده او صورت می گیرد. در این مورد مهری از چغازنبیل بدست آمده است که رب النوع آب به صورت نیمه انسان و نیمه ماهی است و در مقابل او غول و ماهی هائی که بطریزی سریع در حرکتند و شباهت زیادی به گیاهان دریائی دارند قرار دارد. از تجمع این نقوش چنین به نظر میرسد که مقر این رب النوع در عمق آب های زیرزمینی واقع است^۳.

اثر مهر استوانه ای بر روی لوح عیلامی دوران (سوکالماهوها)^۴ تصویر خدای آب را نشان می دهد که بر روی بزکوهی نشسته و پایش را بر یک

۵- طرح این سیلندر از کتاب Iran Ancien تألیف، E. Porada گرفته

شده است (ص - ۴۲). (ش: ۲۴)

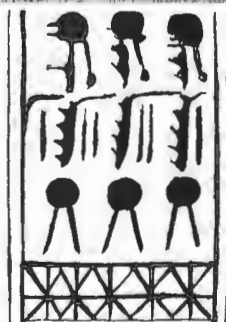
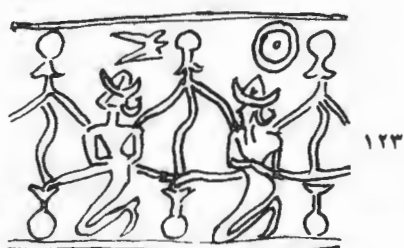
۲- (Starte) الهه دریا. در افسانه های کهن آمده است، که خدای طوفان با الهه

دریا ازدواج کرد. رک: P. Amiet Revue D'assyriologie, 1965.p. 8.

3- E. Porada Tc H.Z p. 32.

۴- Sukalmahuha سلسله جدید عیلامی که در اوایل هزاره دوم پ.م.

تأسیس گردید، بجای عنوان شاهی عنوان آسامی سوالماهو. که معنی (شاهزاده بزرگ) داشته بکار بردند رک: پ. آمیه عیلام، ترجمه شیرین بیانی (اسلامی) (ص - ۴۵).



ش: ۱۲۳. چغازنبیل (اواسط هزاره دوم پ-م).

ش: ۱۲۴. حسنلو (حدود اوایل هزاره اول پ-م).

ش: ۱۲۵. سیلک (هزاره دوم پ-م).

ش: ۱۲۶. مارلیک اوایل هزاره اول پ-م.

بزغاله که بدن ماهی دارد نهاده است. الهه‌ای بر پشت خدای آب نشسته که بدنش بشکل امواج آب است و بزغاله‌ای که به شکل ماهی است در آن شناور است. بنابر نوشته مهر، صاحب مهر خود را (خدمتگزارِ آ) نامیده است.^۱

بر مهری استوانه‌ای از چغازنبیل (اواسط هزاره دوم پ.م.)، دو موکل آب بین تنگ‌هایی که آب از آنها فوران می‌کند زانورده‌اند. در بالای صحنه قرص خورشید نمایان است (ش: ۱۲۳).

نقش گردونه بر بسیاری از مهرهای استوانه‌ای مکشوفه از نقاط مختلف ایران مورد کاوش قرار گرفته به صور مختلف نقراست. این نقوش آشنائی ساکنین فلات ایران را به گردونه و به کار بردن آنرا در زمینه‌های مختلف نشان می‌دهد. اولین نوع گردونه مظهر پیروزی در جنگ است، که دشمن گاهی در زیر چرخ گردونه و در زیر پای اسب لگدمال شده است، و یا مانند مهر مکشوفه در حسنلو که گردونه ران مهار اسب‌های بالدار و شاخدار را به دست دارد، شاخ و بال اسب مبین برتری و پیروزی است و گردونه یا نشانه حمل غنائم پس از پیروزی یا حمل هدایا برای تقدیم به خدایان است، تا به این وسیله مراجع آنانرا جلب نماید (ش: ۱۲۴).

در نوع دوم گردونه برای شکار بکار رفته است. چنانکه در مهر استوانه‌ای مکشوفه از سیلک گردونه ران کمان به دست درون گردونه ایستاده و به سوی هدف که دو بزکوهی است تیراندازی می‌کند. تجسم این نقش به

صورت طبیعت گرائی، کنده کار شده و هنرمند حکاک توانسته مهارت گردونه ران را به نحو گویایی به وسیله هنر خود نشان دهد^۱ (ش: ۱۲۵). صحنه مبارزه و جنگ نیز بر مهرها نقراست. بر مهر مکشوفه از (مارلیک) رژه جنگجویان به طرز برازنده ای دیده می شود^۲ (ش: ۱۲۶).

بر مهر استوانه ای که از سرخ دم (لرستان) بدست آمده، پیکار دو نفر نشان داده شده است.

از دوران اواخر هزاره سوم و هزاره دوم پ.م. مهرهائی از شوش و چغازنبیل کشف گردیده است که مجالس پرستش خدایان با حضور خادم یا پرستش کننده با علامات و مظاهر خدایان نقراست. در بعضی از این نوع مهرها نوشته متضمن اوراد و دعا و درخواست آمرزش یا جلب عطف و خدایان است.

بر مهری از شوش خدای مردوک بر تخت نشسته و تنگی بدهان می برد، در مقابلش پرستش کننده در حال احترام و درخواست ایستاده در بین آنان انار مظهر فراوانی و برکت قرار دارد. در بالای صحنه بزکوهی و علامت خورشید نقراست و نوشته منقور در سه قسمت بخط عیلامی متضمن کمک و حمایت درخواست کننده از خداست. چنانکه از نشانه های منقور مانند بزکوهی و انار و تنگ آب، بر صحنه مهر برمی آید صاحب مهر کشاورز می باشد که به این وسیله می خواهد در کنف حمایت خدایان قرار گیرد و کشت و زرع و املاک او از آفات مختلف مصون و در امان بوده

1— R. Ghirshman Fouille de Sialk PL. XXX p. 63.

۲— دکتر ع. نگهبان. مارلیک ص ۶۱.



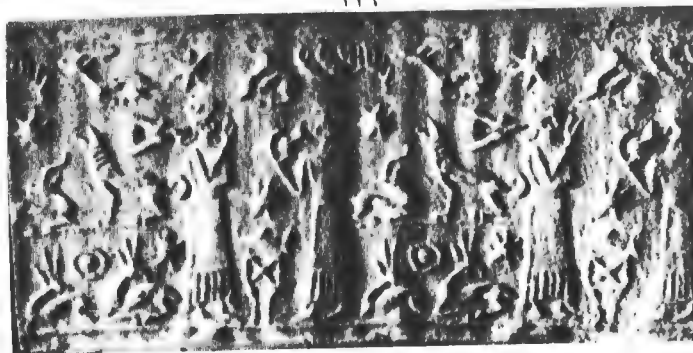
۱۲۷



۱۲۸



۱۲۹



۱۳۰

ش: ۱۲۷. شوش. (اواخر هزاره دوم پ-م).

ش: ۱۲۸. شوش (اواخر هزاره دوم پ-م).

ش: ۱۲۹-۱۳۰. چغازنبیل (اواخر هزاره دوم پ-م).

محصولش فراوان باشد. (ش: ۱۲۷).

بر مهرهائی که اختصاص به قربانی برای خدایان دارد، نقش کاملتر بنظر می‌رسد، معمولاً خدای بزرگ که کلاه شاخدار و لباس بلند لباده مانندی به تن دارد بر تخت نشسته یا ایستاده و یک پا را بر روی چهار پایه گذاشته و یا اگر خدای مردوک است با علامت خود دیده می‌شود و پرستش کننده قربانی را که معمولاً بزغاله است تقدیم می‌دارد. بر مهر استوانه‌ای مکشوفه از شوش حدود اواخر هزاره دوم پ.م. چنین نقشی دیده می‌شود. در صحنه مهر به جز خدا و رابط که قربانی را از طرف پرستش کننده مؤمن تقدیم می‌دارد، دو تن از موکلان آسمان نیز دست به دست یکدیگر داده ایستاده‌اند. در زمینه مهر هلال ماه و ماهی و مرغ و گرز نقر است (ش: ۱۲۸).

در نقش مهر استوانه‌ای مکشوفه از چغازنبیل خدا، تاج شاخدار به سر و لباده بلند حاشیه‌داری به تن دارد. در دست او شاخه درختی است که بر روی مجمری با شعله‌های فروزان نگهداشته مقابل او پرستش کننده ایستاده و دستهایش را در حال نیاز به طرف خدا بلند کرده است. در بین آنان سگ ایستاده و در بالا، قرص خورشید به صورت سه دایره تودرتو نشان داده شده است. نوشته در سه ردیف به خط کاسی متأثر از سومری بر مهر نقر است. به این ترتیب:

خدا زندگی می‌بخشد و شاه نگهبان او است^۱. (ش: ۱۲۹).

۱— نوشته خوانده شده به وسیله (Erica Reiner) رک: Tc H.Z (ص)

در مهر دیگری دو نفر در مقابل یکدیگر ایستاده اند و لباس حاشیه دار بلندی بر تن دارند و موهای آنها در پشت گردن پیچیده شده است. یکی از آنها تنگی را برای آشامیدن با دست به طرف دهان خود برده دیگری یک دست را بلند کرده است. بین آنها یک میز است که یک ماهی روی آن است. در زمینه مهر سگ و دو گوزن، قرص خورشید و ستاره و شاخه درخت، دیده می شود. در این مهر که ظاهراً مجلس ضیافتی است وجود مظاهر خدایان مختلف به آن جنبه مذهبی داده است. (ش: ۱۳۰). در دوران کهن در مجالس مهمانی و جشن و سرور و عروسی، رقص دسته جمعی متداول بوده است. رقص که می توان آنرا یک نوع هنر عزیزی دانست، عبادت مقدس محسوب می گردید و جنبه مذهبی داشت. در بسیاری از مواقع برای جلب نظر خدایان در مواردی که سختی به انسان روی میکرد و یا خشکسالی محصول آنان را از بین می برد، تنها راه امید آنان عبادت با رقص و آواز بود که مردان و زنان با حرکت موزونی دستهای یکدیگر را گرفته اند و می رقصیدند، بر روی بعضی از این نقوش نقش خورشید یا ستاره که علامت خدای روشنی است نیز مشاهده می شود^۱، محتمل است که در موقع غروب آفتاب مردم ایران زمین به رقص می پرداختند تا عبادت و نیایش آنان مورد قبول خدای روشنایی

۱- بر قطعات سفال مکشوفه از سیلک (کاشان)، تل تیموران (فارس) چشمه علی (ری)

نقش از مردان و زنان ایستاده است که به رقص مشغولند.

برای مزید اطلاع رجوع شود به مقاله ملک زاده بیانی «زن در آثار باستانی ایران»

مجله سپیده فردا دی ماه ۱۳۴۳ شماره دیماه ۱۳۴۳.

واقع شود و روز دیگر آنان را با گرمی و نور خود زندگی و شادی بخشد. این سنت کهن هنوز نزد بسیاری از ایلات جنوب ایران باقی است. در کاوش‌های بین‌النهرین از (اور) مهری چندین مرد برهنه را نشان می‌دهد که دستهای یکدیگر را گرفته‌اند و می‌رقصند. کهنترین اثر موجود که صحنه بزم را به طور کامل نشان می‌دهد. اثر مهر مکشوفه از چغامیش است که شرح آن در قسمت آلات موسیقی آمده است. بدون تردید این مهر کامل‌ترین و جامع‌ترین نمونه‌ای از تاریخ موسیقی در ایران کهن است. به علاوه صحنه منقور نمایانگر سنت موسیقی دیرین است که بلا انقطاع از هفت هزار سال قبل تاکنون به همین وضع ادامه یافته و در نحوه آداب آن گسیختگی یا تغییری روی نداده است.

لذا این اثر مهر را می‌توان یکی از اسناد مهم تاریخی در مورد موسیقی سنتی ایران دانست.

در بسیاری از مهرهای ادوار مختلف (هزاره سوم و دوم پ.م.) آلات موسیقی در مجالس خدایان یا مجالس مهمانی دیده می‌شود که این آلات مظهر شور و نشاط یا پیروزی بر دشمن یا جنگ است یا مضامین مذهبی دارد. صحنه‌هایی که رامشگران به نوازندگی مشغولند ترجمان وقایع خوش زندگی برای روزگار پس از مرگ است. همچنین جشن نوعی ارتباط شادی آفرین است که مؤمن را در سایه لطف خداوندی برای زندگی در جهان دیگر نشان می‌دهد. مؤمن معتقد با داشتن چنین مهری خود را چه در زندگی چه پس از مرگ در امان می‌بیند.

در صحنه مهری مکشوفه از شوش که نقش آن خدایان مختلف و مظاهر آنان را به طرز جامعی نشان می‌دهد. میمونی در پناه دو تن از خدایان

آسمانی و زمینی نشسته و نی می زند، مهر استوانه ای دیگر که بنابر نوشته منقور بر آن از (اژی ژی)^۱ فرمانروای عیلامی است، فرمانروا ایستاده و دستهایش را به علامت احترام و نیایش به سوی قرص خورشید بالدار، مظهر خدای روشنی بلند کرده است. در مقابل فرمانروا مردی برهنه نشسته نی می نوازد. نوازنده بین دو مظهر خدای روشنی و ماهی خدای آب (آ) قرار دارد. شاید خواسته فرمانروا در نقش این مهر جلب نظر این دو خدای بزرگ عالم هستی باشد^۲ (ش: ۱۳۱).

بر مهرهائی حرکت دسته جمعی یا نوعی رژه دیده می شود.

اثر مهری از دوران شهرنشینی جدید مکشوفه از شوش (اواسط هزاره چهارم پ.م.) شاه یا فرمانروای عیلامی را نشان می دهد که بر تخت روانی نشسته که به وسیله دو نفر برده می شود. در مقابل و اطراف او افرادی که علم یا بیرقی که سر آن نواری آویزان است و یا چوبی که به سر آن هلالی است به دست دارند. احتمالاً صحنه مهر نمایانگر تشریفات قدرت یافتن فرمانروا یا تاجگذاری او است^۳.

موضوع رژه یا دسته های مذهبی که افراد در پی یکدیگر با در دست داشتن علامت ها و بیرق ها در حرکتند، در بسیاری از مهرهای استوانه ای سومری از اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پ.م. دیده می شود^۴. بر دسته ای از مهرها نقوش پیوند مقدس یا کامجوئی نقر شده است. زن در

1— Egigi

2— P. Amiet G.A.M. NO 1315.

3— Elam p. 85.

4— H. DE. Genouillac PL. 39. Fouille DE Tello.

دوران‌های کهن در جامعه‌ای بدوی وضع ممتاز و درخشانی داشته، زیرا اساس ادامه زندگی بر پایه وجود او مسلم بوده است. زن به عنوان الهه مادر قابل تقدیس شد، سپس در مجمع خدایان، اولین امتیاز از آن وی گردید. و به صورت خدای باروری مورد ستایش مرد قرار گرفت.^۱

در مجموعه مهرهای مربوط به پیوند مقدس (زناشویی) شیوه‌های کام جوئی با مضامین تخیلی و افسانه‌ای و اساطیری نمایانده شده است در این طرح‌ها که از وقاحت به دور است، نوعی زیندگی و خلوص توأم با نگرشی فلسفی نسبت به زندگی و ادامه حیات مشاهده می‌شود. کهن‌ترین مهرهای کامجوئی (پیوند مقدس) در اوایل هزاره چهارم پ.م. از کاوشهای بین النهرین تپه گورا^۲ و تپه گیان (نهادند) و شوش بدست آمده است.

نقش این مهرها به طرزی ساده و بوسیله خطوط، به سبک واقع پردازی مخصوص آن دوران، زن و مرد را در کنار یکدیگر ایستاده، یا مرد را در پی زن و یا به صورت رمزی دو موجود نر و ماده را با یک تنه نشان می‌دهد. بر مهری، مار که یکی از مظاهر باروری است به سوی زن می‌رود^۳، یا

۱- اولین اثری که از الهه زن کشف گردید، از دوره نئولیتیک (Neolithic) (حدود شش هزار سال پ.م.) است. این مجسمه از تپه سراب (کرمانشاه) به دست آمده است (موزه ایران باستان)

۲- (Tépe Gaura) این تپه در شمال شرقی نینوا، واقع است. از کاوش‌هایی که از سالهای ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۸ میلادی در آن منطقه انجام گرفته، در سطوح مختلف، آثار بسیار مهمی از دوره نئولیتیک تا اواسط هزاره دوم پ.م. بدست آمده است.

3— P. Amiet G.M.A NO 39-41-42-45-46.

گژدم که علامت باروری و کامجوئی است، در کنار زن دیده می شود. در مهری که در کاوش تپه گیان (نهایند) به دست آمده است، زن و مرد از ناحیه شانه بهم متصل اند^۱. در این نقش پیوند مستقیم زن و مرد مسجل است^۲.

مهر مستطیل شکل مکشوفه از شوش، زن و مردی ایستاده که بین آنان و اطرافشان بزکوهی که مظهر فراوانی است آنان را حمایت می کند. بر مهر دیگری نقش زن و مرد با حیواناتی که دم گژدم دارند و یا گژدم در زیر پاهایشان می خزد دیده می شوند. چنانکه گفته شد گژدم کنایه ای از کامجوئی است^۳ (ش: ۱۳۲).

اثر مهری استوانه ای بر لوح گلی مکشوفه از کاوش های شوش (اواسط هزاره سوم پ.م.) نمایانگر صحنه های مختلف اساطیری است. در نقش مهر الهه بزرگ به صور و حالات مختلف نمایان است. در قسمتی الهه بزرگ نشسته است و در مقابلش شیری ایستاده و طرفین او دو الهه برهنه اند که هریک شاخه ای درخت که مظهر سرسبزی و روئیدنی است به دو دست گرفته اند و به سوی او می برند. در قسمت دیگر که صحنه زناشوئی مقدس است، الهه نشسته و مردی که سمت خدائی دارد در مقابلش ایستاده است. بین آنان ماه و ستاره و قرص خورشید مظاهر روشنی و عشق قرار دارد، و در پشت خدای مرد کژدم مظهر باروری و کامجوئی به صورت نیمه انسان و کژدم دیده می شود. در گوشه دیگر مهر

1— R. Ghirshman, D— Contenau PL. 38 NO 22.

۲ — طرح این مهر در قسمت مهرهائی دکمه ای و مدور شکل آمده است.

3— L. Delaporte. C. Co PL— 64 NO 16:



۱۳۴

- ش: ۱۳۱. شوش (اوایل هزاره دوم پ-م).
 ش: ۱۳۲. شوش (اوایل هزاره دوم پ-م).
 ش: ۱۳۳. حسنلو (اوایل هزاره دوم پ-م).
 ش: ۱۳۴. شوش (حدود سال ۱۲۰۰ پ-م).

الهه، تیر و کمان بدست روی دو شیر ایستاده است^۱. بر مهر استوانه‌ای که از کاوش حسنلو به دست آمده است، صحنه معاشقه دو حیوان نشان داده شده است، و مظاهر مختلف خورشید و ستاره، پرنده و مار و کژدم کنایه از جلوه قدرتهای موجود در طبیعت و مافوق الطبیعه برای ادامه حیات هستند. (ش: ۱۳۳).

در مهرهای زناشوئی مقدس پیوند بین زن و مرد به صورت طبیعی نقراست. این مهرها نوعی توسل به خدای بزرگ و الهه باروری است تا صاحب مهر مورد لطف خدایان قرار گیرد و از نعمت داشتن فرزند برخوردار شود.

در کاوشهای هفت تپه^۲ مهرهای استوانه‌ای و تعداد زیادی اثر مهر گلی و اثر مهر بر کلوخه‌های گلی در کوزه و بر روی الواح نوشته شده به دست آمده است (اواسط هزاره دوم پ.م.). نقش بیشتر مهرها مجالس خدایان را مانند مهرهای مکشوفه از شوش و چغازنبیل نشان می‌دهد. مهر بسیار جالبی از سنگ یمانی از قرن دوازدهم پ.م. از شاه عیلامی شیلهیک این شوشیناک^۳، موجود است، که بر روی آن نقش شاه عیلام است، که با مهربانی فراوان به دختر خود بنام (باراولی)^۴ همان مهر را که در دست دارد هدیه می‌دهد و نوشته‌ای به خط عیلامی در کنار تصاویر نقراست

۱- همان (ص - ۵۷) (موزه لور) PL.45

۲- از سال ۱۳۴۶ شمسی هیئت علمی باستانشناسی به ریاست دکتر نگهبان کاوش در ناحیه هفت تپه خوزستان را آغاز نموده است و جزو آثار بسیار با ارزش مکشوفه در حدود سیصد اثر مهر نیز بدست آمده است.

3— Shilhik— Inshushinak

4— Barevli

که مضمون آن چنین است: «شیلهیک این شوشیناک، شاه بزرگ این سنگ را که با دقت کنده کاری شده به بارولی دختر خود می دهد»^۱ (ش: ۱۳۴)

۱- پ. آمیه. تاریخ عیلام. ترجمه شیرین بیانی (اسلامی) ش. ۶۳

فصل هشتم

کاسیان

کاسیان^۱ از دوران کهن در منطقه کوهستانی زاگروس (کرمانشاهان و لرستان) در دهکده‌هایی در کنار چشمه سارها مستقر بودند و از راه شکار و گله‌داری و کشاورزی روزگاری می‌گذراندند.^۲ از اوائل هزاره دوم پ.م. کاسیان که قدرتی پیدا کرده بودند گاه به گاه

۱- قیّم کاسی را عیلامیان (کوسی) می‌نامیدند، در نوشته‌های آشوری کاشو (Kashu)

آمده است. کهن‌ترین مرجعی که از کاسیان موجود است، مربوط به متنی از

(اواسط هزاره سوم پ.م) از شاه شوش پوزور این شوشیناک (Puzurinshushinak)

است. رک: A.Godard (ص ۱۹ - A.i. رک:

گیرشمس. ایران از آغاز تا اسلام ص ۴۸

رک: ملک زاده بیانی - پایتخت‌های شاهنشاهی ایران. فصل اول همدان (هگمتانه)

(ص ۲)

به سرحدات شرقی بابل تاخت و تاز می کردند ولی به عقب رانده می شدند، تا اینکه در سال ۱۵۳۰ پ.م. تهاجم خود را به سرزمین بین النهرین آغاز کردند، و حکومت بابل را در هم شکستند و به آن سرزمین آباد با تمدنی کهن دست یافتند. باید متذکر شد که تسلط کاسیان بر بابل موجب گردید که عیلامیان قدرت پیشین را به دست آورند. مدت فرمانروائی کاسیان بر بابل طولانی بود و تا حدود قرن یازدهم پ.م. ادامه داشت تا سرانجام حکومت عیلام در دوران شاهی شوتروک ناخوته^۱ (۱۲۰۷-۱۱۷۱ پ.م.) به اوج عظمت رسید و به بابل حمله برد و سلسله کاسی را برانداخت (حدود سال ۱۱۶۰ پ.م) پس از این تاریخ، کاسیان نقشی در سیاست دنیای آن روزگاران نداشته در منطقه کوهستانی خود زندگی کرده به کشاورزی و دامداری و به خصوص تربیت اسب پرداخته اند. معهذرا در منابع آشوری به عنوان جنگاوران مزاحم نامی از کاسیان برده شده است و در سال (۷۰۵ پ.م.) شاه آشور سناخریب^۲ به این منطقه لشکر کشید و تعداد زیادی گله و رمه و اسب به غنیمت گرفت.

از کاسیان آثار بسیاری بالاختص آثار برنزی مهرها از عبادت گاه ها و قبور

۱- (Shutruk Nakhunte) از بابل غنائم بیشمار بدست آورد، از جمله قانون حمورابی نوشته بر سنگ و لوح سنگی شاه آکاد، نرم سین (Naram—Sin) و مجسمه های متعدد، که به عبادتگاههای شوش تقدیم کرد ر.ک.پ.آمیة. تاریخ عیلام ترجمه شیرین بیانی، اسلامی ص ۶۰

۲- (Senakhrib) پسر سارگن (۷۰۵-۶۸۱ پ.م) بر آشور فرمانروائی داشت.

به دست آمده است. مهرهای کاسی از جنس انواع سنگهای سخت و فلز (برنز) است و نقوش آنها مبین هنرمندی صنعتگران حکاک کاسی و نمایانگر بسیاری از سنن و آداب زندگی و اعتقادات آنان است. از آثار هنری این مردمان چنین برمی آید که دسته‌ائی از آریائی‌ها در مهاجرت اولیه خود به فلات ایران به این منطقه آمده با مردم محلی در آمیخته‌اند. همچنین عقاید بابلی با خدایان و الهه‌ها و مظاهرشان مورد پذیرش کاسیان قرار گرفته است. بر بسیاری از آثار لرستان الهه برهنه در کنار زوج خود دیده می‌شود، زیرا نزدیکی خدای بزرگ و الهه باروری لازم است تا انسان و حیوان در سایه حمایت خدایان از رویه آنان پیروی کرده به زاد و ولد پردازند. عناصر طبیعی نیز از این وضع مستثنی نیستند و پیوند و وصل خدایانی که مظهر عناصر مختلف‌اند موجب می‌شود، که خشکسالی نشود و باران رحمت ببارد تا دشت و دمن سرسبز و درختان بارور گردد، و وسیله معاش انسان و حیوان فراهم شود، تا نسل انسان باقی بماند و زندگی که تلاش‌های مادی و معنوی بر اساس آن است ادامه یابد.

در کاوش‌های لرستان از منطقه زرین آباد (گورستان دمگر پرچینه) مهرهای دکه‌ای با نقوش ساده حیوان و پرنده و نبات و از دلفان و سرخ دم^۱ مهرهای متعددی با نقوش خدایان و مظاهر آنان کشف شده است. از

۱- دکتر اشمیت (Schmidt) در کاوش‌های لرستان در منطقه سرخ دم به آثار معبدی برخورد که بنابر کتیبه منقور بر مهر مکشوفه معبد خدای سین (ماه)، نوشته چنین است (کوری گالزو به معبد سین) (Kurigalzu) شاه کاسی است که بر بابل استیلا



۱۳۵



۱۳۷

- ش: ۱۳۵. لرستان (دلفان) حدود اواسط هزاره دوم پ-م).
 ش: ۱۳۶. لرستان. عیلامی میانه حدود اواسط هزاره دوم پ-م موزه متروپولیتن (امریکا).
 ش: ۱۳۷. لرستان (دلفان) حدود اواسط هزاره دوم پ-م).

جمله گیلگامش دیده می شود که پای دو شیر را به دست گرفته است یا حیوانات بالدار در حرکتند. (ش: ۱۳۵). در زمینه بعضی از این مهرها ماه و ستاره یعنی علامت خدایان بابلی (سین و ایشтар) نقر است.^۱ بر مهری از اواسط هزاره دوم پ.م. قربانی کردن در حضور خدای بزرگ صورت می گیرد بنابر معمول، خدا بر تخت پشتی داری به شکل سر حیوان نشسته و خنجر به دست دارد که علامت قربانی کردن است. در مقابل او پرستش کننده ایستاده و قربانی را که بز یا آهواست، در بغل گرفته تقدیم می دارد. در اطراف آنها افراد مختلفی با اندازه کوچک تر و حیواناتی مانند بز کوهی، شیر، پرندگان و ماهی قرار دارند.^۲ (ش: ۱۳۶) در مجلس خدایان بر روی مهرهای کاسی از افراد متعدد و هدایای مختلف نشانی نیست، بلکه صحنه های مذهبی، خدای مردوک را با مظاهر و تزئینات ساده یا با خادم یا با پرستش کننده نشان می دهد. بهترین نمونه از این مهرها مهر استوانه ای مکشوفه از دلفان (حدود اواسط هزاره دوم پ.م.) است، در صحنه مهر، مردوک ایستاده است و در زیر پا و بالای سر او دو حیوان خوابیده قرار دارند، و در مقابل مردوک شاخه

→ یافت. وی در حدود سال (۱۴۲۵ پ.م) شهری بنام خود در بابل بنیان نهاد (دورکوری گالزو) (Dur—kurigalzu) و این شهر مقرشاهی وی گردید.

رک: A. i. A. Godard

۱- ایضاً (ص. ۳۱ تا ۳۳)

۲- این مهر مکشوفه در لرستان از اواسط هزاره دوم پ.م است این مهر در موزه متروپولیتن امریکا است.

گندم دیده می‌شود. حرکت دست خدای مردوک رمزی از پذیرفتن و برآوردن تقاضای صاحب مهر است، که درخواست یاری از او نموده است. متن درخواست در نه سطر در کنار نقش نقر است. در بین مهرها مکشوفه از چغازنبیل به نظر می‌رسد که چند مهر از کاسی‌ها می‌باشد. در این مهرها پرستش کننده دست نیاز به سوی خدا دراز کرده است. در زمینه صحنه علامات و مظاهر مختلف نمایان است و در کنار نقوش نوشته او، که متضمن درخواست حمایت است قرار دارد. نوشته مهرها نوعی خط مخصوص کاسی است که آمیزه‌ای از خط سومری با ریشه آکادی است.^۱ مضمون نوشته بیشتر مهرها چنین است: (مردوک صاحب اختیار بزرگ کسیکه تمام امور آسمان و زمین سپرده به توست، خدمتگزار یکه تو را پرستش می‌کند خوشبخت نگهدارد). (ش: ۱۳۷).

بر مهرهای لرستان (کاسی) صحنه‌های پیکار و شکار نیز دیده می‌شود. چنانکه بر مهری از (سرخ دم) حدود اواخر هزاره دوم پ.م. مردی با تیر و کمان دشمن را هدف قرار داده است (ش: ۱۳۸). مهری که از کاوش‌های ناحیه دلفان به دست آمده است (حدود اوایل هزاره اول پ.م.) مردی بالدار که خدای شکار است با طرزی بسیار برازنده با کمان، تیری بسوی قوچ که در حال فرار سر را به سوی او برگردانده است رها می‌کند. نقش این مهر در نهایت هنرمندی تهیه گردیده است و حرکات خدای شکار و قوچ به وضع طبیعی و در نهایت دقت،

۱- مهرهای چغازنبیل بوسیله (Erica Reiner) مورد مطالعه قرار گرفته و خوانده شده است. ر. ک. E. Porada. Teh—z. p. 133—137. ص ۱۳۳—۱۳۷

کنده کاری شده است. در این صحنه بین شکار و خدای شکار ستاره و ماه در پشت سر وی قرار دارد. این نشانه‌ها مظاهر خدایان و رمزی از قدرت شکار و محافظت او به وسیله ایزدان دیگر است.^۱ از لرستان تعدادی مهر به صورت انگشتری برنزی یا حلقه‌های انگشتری که روی آنها نقوش مختلف از حیوان و پرنده و ماه و ستاره و درخت کنده کاری شده، به دست آمده است.

۲- در مورد این مهر در فصل شکار آمده و شماره مهر (۸۹) است.

فصل نهم

اوایل هزاره اول پ.م.

عیلام جدید از اواخر هزاره دوم پ.م. گروهی از آریائی‌ها پیشروی خود را به سوی جنوب غربی فلات ایران آغاز کردند، چون عیلام توانائی نداشت که از ورود آنان جلوگیری کند، لذا این اقوام (پارسی) در منطقه شمالی عیلام «پارسوماش»^۱ استقرار یافتند. در تهاجمات اولیه آشوریان به عیلام، این اقوام که سوارکاران قابل‌ی بودند به عیلامیان کمک بسیار نمودند ولی سرانجام آشوریان در قرن هفتم پ.م. سرزمین ایشان را نیز ضمیمه متصرفات خود نمودند.^۲ در این هنگام آشوریان با

۱- محل کنونی آن حدود مشرق شوشتر در دامنه کوه‌های بختیاری است.

۲- با بدست آوردن منطقه وسیع‌تر و نفوذ بیشتر روسای آنان خود را شاه خواندند. ر. ک.

پایتخت‌های شاهنشاهی ایران. نوشته شیرین بیانی (اسلامی) ص. ۴۰-۴۲

فتح بابل به اوج قدرت رسیدند و شاه مقتدر آشور «آشور بانیپال»^۱، به شوش حمله برد و سراسر عیلام را به تصرف درآورد، و شوش پایتخت معظم و با شکوه عیلام را بکلی ویران ساخت و به قتل و غارت پرداخت^۲. پس از سقوط آشور (حدود سال ۶۱۲ پ.م.) شوش به زیر سلطه بابل درآمد تا در بهار سال ۵۳۸ پ.م. که کورش بزرگ وارد شهر بابل شد و پادشاه بابل نبونید^۳ تسلیم وی گردید. مهرهای استوانه‌ای این دوره‌ها که از شوش و چغازنبیل بدست آمده است، مانند مهرهای آشوری و سپس بابلی است و بسیاری از صحنه‌های اساطیری را مجسم می‌کند و خدایان مورد پرستش آنان را نشان می‌دهد. مانند قرص خورشید بالدار یا پرستش درخت مقدس بوسیله دو مرد که در مقابل درخت زانو زده‌اند و قرص خورشید بالدار آنها را حمایت می‌کند. بر مهرهای بابلی جدید اغلب خدای مردوک را در مقابل میز قربانی یا مظهر وی^۴ و علامت نبو^۵. (نوعی بیل که سر مثلث شکل دارد) دیده می‌شود. بر مهر استوانه‌ای در دوره عیلام جدید مکشوفه از شوش، نقش شیری دیده می‌شود که در حال دریدن بزی است. قرص خورشید به صورت صلیب در بالای صحنه

1— Assurbanipal.

۲ — در متن نوشته به دست آمده مربوط به پیشروی شاه آشور می‌توان به درجه خرابی و کشته و غارت آشوریان آگاهی حاصل نمود. ر.ک. پایتخت‌های شاهنشاهی ایران.

ص. ۴۲

3— Nabonide

۴ — مظهر مردوک نوعی اژدهای شاخدار است.

334.

۵ — پسر مردوک و خدای نویسنده‌گان و نویسنده‌گی ر.ک. A. Parrot. Assur p.

نقراست (ش: ۱۳۹).

در مهر دیگری از جنس عقیق، الهه جنگ، بالدار^۱ یک پای خود را روی شیر نهاده و کمان را که تکیه بر شیر داده است بدست دارد. و بدست دیگر تیرها را گرفته است (ش: ۱۴۰)

مارلیک:

از منطقه رحمت آباد رودبار و تپه های کوه رود. و چراغ علی تپه (مارلیک)^۲ آثار مختلفی از درون آرامگاه ها که بیشتر آنها مختص شاهان و بزرگان و سرداران و اقوامی است که در آن محل سکونت داشته اند، به دست آمده است. آثار مکشوفه مارلیک از اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م. است و از لحاظ هنری بسیار با ارزش است و سازندگان آن را در ساختن آثار سفالی و به خصوص آثار فلزی برنز و زر و سیم نشان می دهد. در بسیاری از این آثار تشابهی با آثار اقوام همجوار به خصوص آثار مکشوفه در حسنلو مشاهده می شود، بدون تردید بین این اقوام رابطه بازرگانی (در اوایل هزاره اول پ.م.) وجود داشته است. جزو آثار مکشوفه از مارلیک مهرهای بسیار با ارزشی از لحاظ نقش و هنر کننده کاری به دست آمده است. بر مهر استوانه ای شکلی که به دو سر آن

۸- الهه جنگ همان الهه ایشтар بابلی است که در این هنگام الهه مائزات نامیده می شود.

۲- هیأت حفاری ایرانی به سرپرستی دکتر نگهبان از سال ۱۳۴۵ شمسی در منطقه دره کوه رود مارلیک به کاوش آغاز و آثار بسیار مهمی را کشف کرد. ر.ک. مارلیک عزت الله نگهبان.



۱۳۸



۱۳۹



۱۴۰

ش: ۱۳۸. سرخ دم (لرستان) (حدود سال ۱۲۰۰ پ-م).

ش: ۱۳۹. شوش (اوایل هزاره اول پ-م) (موزه لور).

ش: ۱۴۰. شوش (حدود ۷۰۰ پ-م). (موزه لور).

حاشیه زرینی تعبیه شده و از سنگ آهن است، شکارچی که کلاه خود به سر دارد با تیر و کمان به شکار پرنده و شیری مشغول است. چنین به نظر می‌رسد که این مهر متعلق به شاه یا یکی از شاهزادگان بوده که به شکار علاقه فراوان داشته است و تصویر او به صورت خدای شکار بر روی مهر نقر است. بر مهر دیگری رژه جنگجویان دیده می‌شود. حکاک برای نشان دادن قدرت جسمی و وضع پر هیجان آنان، سر و بدن جنگجویان را به صورت دایره‌های برجسته نقر کرده است.^۱ (ش: ۱۴۱).

حسنلو:

دهکده سلدوز (آذربایجان) در جنوب غربی دریاچه رضائیه واقع است و محل حسنلو در جلگه نزدیک به دهکده سلدوز قرار دارد. این ناحیه از اوایل هزاره نخست پ.م. مرکز فرمانروائی کشور مانا بوده است. از هزاره دوم پ.م. اقوام آریائی مهاجرت خود را به این منطقه آغاز کردند و دسته‌ای از آنان به نام هوریان در این ناحیه ساکن شدند. لذا چنین بنظر می‌رسد که اقوام مانائی (هزاره اول پ.م.) جای هوریان را گرفته‌اند و کشوری تأسیس کرده‌اند، چنانکه در نوشته‌های آشوری بارها از این اقوام یاد می‌شود.^۲ بر فراز تپه حسنلو قلعه و برج و باروهای اصلی شهر قرار داشته که در کاوشهائی که به دفعات انجام گرفته است، آثار مختلف و مهم از اوایل هزاره اول به دست آمده است. مهرهای

۱- همان کتاب ص ۲۶ و ۶۱.

۲- در سالنامه‌های آشور و سنگ‌نوشته‌های اورارتو نام کشور مانا آمده است. ر. ک.

مکشوفه نیز از همین دوران است.^۱

در مهر استوانه‌ای سنگی مکشوفه از حسنلو مردی شکارچی که لباس بلندی در بردارد تیری از کمان به سوی بزکوهی رها می‌کند. بین شکارچی و بزکوهی درخت قرار دارد. بی‌شک وجود درخت که مظهر رستنی‌هاست و بزکوهی که مظهر فراوانی است در مقابل شکارچی، کنایه و رمزی از برتری اوست، زیرا حلقه خورشید که در بالای صحنه نقر است مبین حمایت آن ایزد از شکارچی است.^۲ (ش: ۱۴۲).

بر مهر دیگری (از اوایل هزاره اول پ.م.) گردونه ران در گردونه ایستاده و مهار اسب را به دست گرفته است و در صحنه بالا اسب بالدار و اسب شاخدار دیده می‌شوند.^۳

زیویه:

دهکده زیویه در حدود ۴۰ کیلومتری سفر واقع است. بر بلندی کوه مشرف به زیویه دژ مستحکم مانائی^۴ قرار داشت که در کاوش سال ۱۳۲۵ شمسی گنجینه مهمی از زر و سیم و عاج به دست آمد. ساختمان

۱ - از سال ۱۳۲۸ شمسی کاوش منطقه حسنلو به وسیله مهندس علی حاکمی و محمود راد انجام گرفت. پس از آن از سال ۱۹۵۷ م، هیأت امریکایی موزه فیلادلفیا به کاوش حسنلو ادامه داد و آثار مهمی پیدا کرد. (محفوظ در موزه ایران باستان)

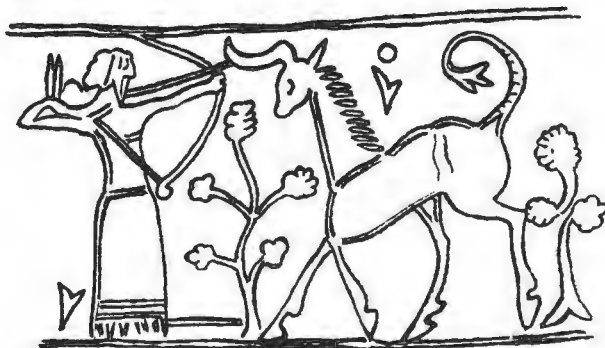
۲ - طرح این مهر از گزارش‌های باستانشناسی مجله اول سال ۱۳۲۹ (کاوش‌های حسنلو علی حاکمی و محمود راد ص. ۹۶ گرفته شده است).

۳ - در مورد این مَهر به شماره (۱۲۴) مراجعه شود.

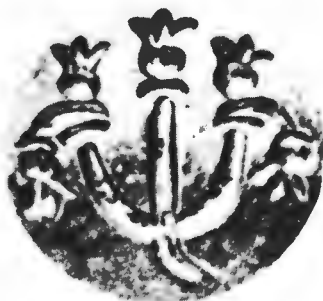
۴ - اقوام آریایی برای اولین بار در هزاره دوم در ناطق کوهستانی زاگرس سستقر شدند و



۱۴۱



۱۴۲



۱۴۳

- ش: ۱۴۱. مارلیک. اوایل هزاره اول پ-م.
 ش: ۱۴۲. حسنلو. اوایل هزاره اول پ-م.
 ش: ۱۴۳. زیویه. حدود قرن هفتم پ-م.

این دژ بدون تردید محل دیدبانی برای حراست آن منطقه بوده است. در نوشته‌ای که از شاه آشور سارگن دوم^۱ موجود است، از شهر زیویه نام میبرد «او آتش زد ایزرتو^۲ پایتخت کشور مانائی را تصرف کرد و شهرهای زیویه^۳ و آرمید^۴ را»

«ایزرتو شهر سلطنت و زیویه و آرمید با دژهای مستحکم آنها را گرفتم و آتش زدم»^۵. در بین آثار بسیار قابل توجه مکشوفه از زیویه که بیشتر آنها به وسیله حکاکان هنرمند کنده کاری شده مهر به دست نیامده است، ولی کشف یک جا مهر استوانه‌ای زرین نمایانگر رواج مهر استوانه‌ای است. بزرگان برای حفاظت مهر خود جا یا غلاف مخصوص داشتند و مهر را درون آن جای دادند. جا مهر مکشوفه از زیویه از دو قسمت تشکیل شده که قسمت مسطح آن نیز نقشی داشته که شاید آنهم در مواقع عادی به جای مهر بکار می‌رفته است (ش: ۱۴۳).

مانائی‌ها در مناطق جنوب دریاچه رضائیه کشور مانائی را تشکیل دادند. در سالنامه‌های اداری و لشکری آشور آمده است که منطقه وسیعی از دریاچه رضائیه در آذربایجان تا کوههای کردستان مانائی نامیده می‌شد.

۱— Sargon II. 2— Izirtu. (۷۲۱—۷۰۵ پ—م)

۳— در سنگ‌نوشته آشوری نام زیویه (ذی بیه) آمده است.

4— Aramid. 5— Letresor DE Ziwiye 19 0 A. Godard. p. 5.

Iran Ancien. L'art Dans le Monde. E.porada. p. 100.

فصل دهم

پوشاک

لباس: پوشاکی که در نقوش انسانی مهرها دیده می شود. بسیار متنوع است. بدون تردید به وسیله این طرح ها می توان تاریخ لباس در ایران کهن را تدوین نمود و نشان داد که چگونه نیاکان ما با سلیقه و ذوق به تهیه لباس و انواع زینت آلات می پرداختند و علایق باطنی و معنوی خود را به صورت طبیعت گرایی بر مهرها جلوه گر می ساختند. از دورانی که الهه ها و قهرمانان و خدایان برهنه، به صورت نیمه برهنه و یا با پوشش کافی بر مهرها ظاهر شده اند به کار بردن پوشش و لباس آغاز شده است. بر مهرهای اولیه مکشوفه از شوش بر تن خدایان انسان نما نوعی دامن (لنگ) یا قطعه پارچه ای منقوش که از کمر به زانوها یا نزدیک پا می رسد، دیده می شود. این نوع پوشاک را در تمدن شهرنشینی، بزرگان قوم به تن داشتند که به همان وضع در تن خدایان و مردان بزرگ مذهبی و رؤسای عبادتگاه ها بر مهرها یا اثر مهرها ملاحظه می شود. بر چند اثر مهر



از هزاره چهارم پ.م. مکشوفه از شوش شخصیت های بزرگ روحانی و مالک حیوانات در مقام روحانیت و نیمه خدائی و یا خدائی نشان داده شده اند که دامن بلندی همراه با کمر بندی که محتمل است از چرم باشد به تن دارند. جنس لباس پشمی یا پوستی و یا پارچه ای است که با نقوش هندسی به اشکال مختلف خطوط موازی یا چهار گوش، مخطط و با شرابه های پشمی تزئین یافته است. با داشتن مهرهایی از این دوره می دانیم که زنان در هزاره چهارم پ.م. هنر ریسندگی و بافندگی را می دانسته اند و یکی از کارهای عمده آنها پشم ریزی و بافندگی بوده است. لذا با غریزه فطری زیبایی شناسی همچنان که به راز رنگ برای منقوش ساختن ظروف سفالی پی بردند، از آن برای رنگ کردن پشم نیز استفاده کرده، و در پارچه بافی تارهای رنگی را برای نقش آفرینی به کار بردند. در این صورت تعجب آور نیست که بر مهرهای ابتدائی، پارچه ای که بر تن خدایان است دارای نقوش زیبا و متنوع باشد.

ز یور آلات گردن و سینه آنان نواری شکل است که شاید تزئینات روی آن از سنگهای رنگی گرانبها مانند سنگ بلور و عقیق و انواع مرمر و خمیر شیشه و صدف بوده است، که روی نواری حلقه ها می نشانند و یا به صورت مهره های مدور بوسیله تسمه ای به گردن خود آویزان می کردند. از این نوع گردنبدها و زینت آلات به اشکال مختلف، از درون گورهای ماقبل تاریخی ایران کشف گردیده است و بر مجسمه های عیلامی و نقوش برجسته هزاره سوم پ.م. دیده می شود.^۱ از اواسط هزاره سوم

۱- ر.ک. (ش - ۱۲۰) مهر استوانه ای مکشوفه از شوش. هزاره سوم پ.م.

پ.م. پوشش خدایان و همراهان آنان مانند خادم و پرستش کنندگان کامل تر و در تهیه آنها توجه بیشتری به کار رفته است، چنانکه بر تن خدایان و الهه‌ها، جامه بلند و شرابه‌دار یا ریشه‌دار، چین‌دار مطابق یا با حاشیه به طرح شال دیده می‌شود. بسیاری از شرابه‌ها یا قطعات مطابق به نظر می‌رسد که از پوست یا از ردیف دم‌های بزغاله است^۱ (ش: ۱۴۴)

بر مهرهای استوانه‌ای شکل از چغارنبیل (هزاره دوم تا اوایل هزاره اول پ.م.)، در شکل جامه‌های زن و مرد تغییراتی به نظر می‌رسد. قسمت بالانه چسبان یا شال مانند و یا مخطط است و روی شانه‌ها را پوشانده و به کمر می‌رسد و دامن‌ها بلند و چین‌دار است. در بعضی دیگر جلوی دامن از نوارهایی تزئین یافته است. گاهی چند تن از بزرگان لباده بلند و گشاد به تن دارند.

کلاه:

کلاه در طرح نقوش مهرها بسیار متنوع است. برای مردم عادی و پرستش کنندگان یا عبادت کنندگان به وضع ساده به شکل مدور یا عرق‌چین یا شب‌کلاه مطابق است، ولی کلاه یا تاج خدایان تزئین بیشتری دارد و علامت مشخصه آن شاخ است که مظهر برتری و آسمانهاست. تاج خدایان نوعی عمامه یا کلاه‌خود شاخ‌دار یا کلاه بلندی است، که با چندین شاخ تزئین یافته است. بر اثر مهرهای هزاره چهارم پ.م. مکشوفه از شوش، خدایان با انواع کلاه شاخدار دیده می‌شوند تاج

الهه‌ها نیز یکنواخت نیست، بعضی بلند و مطابق بعضی هلالی شکل و دنداندار است. محتمل است که این نوع تاج فلزی باشد که درخشش آن بیشتر باشد و به برازندگی الهه بیافزاید^۱. بر مهرهای اوایل هزاره اول شاخ طرفین کلاه یا تاج، بصورت لبه تاج به نظر می‌رسد. بر مهر شکارچی یا خدای شکار مکشوفه از چغازنبیل کلاه خود بلند نوک‌تیزی بر سر وی است، که طرفین آن با دو شاخ تزئین یافته است. یکی از زیباترین تاج‌ها، تاجی است بر سر الهه جنگ که بر مهر استوانه‌ای دوره عیلامی جدید منقور است. این تاج بلند زرین نمونه‌ای از هنر جواهرسازی و زرگری این دوره است^۲ (ش: ۱۴۵)

موسیقی:

در دورانی که بشر اولیه زندگی غارنشینی را پشت سر نهاد و سکونت در دشت را آغاز کرد به راز بسیاری از مواهب طبیعت و غرائزی که در سرشت او وجود داشت پی برد و از آنها استفاده مادی یا معنوی کرد.

رقص و آواز در آغاز بصورت جست‌وخیز و فریاد و فغان بود ولی بتدریج با پیشرفت تمدن موزون و هنرمندانه شد. در مواقع مختلف به منظور خوشی یا دور ساختن غم و یا درخواست یاری از یزدان و جلب توجه قدرتهای ناشناخته برای طلوع خورشید که منبع فیض و گرمی و روشنی بود و باران رحمت یا تابندگی ماه در شبهای ظلمانی و برافروختن آتش به رقص

۱- ر.ک. به (ش-۱۲۰) مهر استوانه مکشوفه از شوش هزاره سوم پ.م.

۲- ر.ک. به (ش-۱۴۰).

دسته جمعی و آواز که الهام از طبیعت می گرفت، مانند ورزش باد، رعد یا صدای آب و آبشار یا غرش حیوانات به ترکیب نوعی سرودها دست یافت که احساس آنان را در برداشت حالات مختلف درونی او را مجسم و ابراز می کرد. لذا رقص و آواز کم کم در جامعه روستائی و شهرنشینی حنبه مقدس به خود گرفت و مردم آن روزگاران، به وسیله حرکات موزون و آوازهای مناسب به این عبادت مقدس برای بدست آوردن شکار و صید بیشتر، و جمع آوری محصول بهتر، در تجمعات و در کنار عبادتگاه برای پرستش خدایان یا پیوند زناشوئی و کامجویی یا پیروزی می پرداختند.

آلات نوازندگی:

بر مهرهائی از ابتدای هزاره چهارم پ.م. به بعد ما به انواع آلات نوازندگی برمی خوریم که بسیاری از آنها یا هنوز متداول است و یا با تغییراتی که در آنها داده شده است مورد استفاده اند. در چند اثر مهر مکشوفه از شوش نقوش کنده کاری مجلس مهمانی یا جشن مذهبی را نشان می دهد که چند تن با حرکات موزون تمام بدن، در کنار یکدیگر به رقص و پایکوبی مشغولند^۱. این حالات شبیه نقوش بر قطعات سفال مکشوفه از سیلک^۲ و چشمه علی و تپه موسیان است که رقص دسته جمعی زنان یا مردان را نشان می دهد. در اثر مهر دیگری نوازندگان در مقابل الهه به نواختن چنگ و زدن طبل یا

1— L. Legrain Memoires NO 232—1328.

2— R. Ghirshman Fouilles De Sialk V.I.

دهل و نی زدن و دست زدن، مشغولند^۱. در نقش مهر مکشوفه از چغامیش که مقدمات مراسم پیوند زناشوئی مقدس را نشان می دهد، چنگ زن و دهل زن و نی زن، می نوازند و آوازه خوان که دستهای خود را به طرف گوش برده است آواز می خواند. بر نقش مهرهائی که برای تقدیس الهه است، الهه جامی به دست دارد و پرستش کننده ای آشامیدنی و ماهی را که مظهر صید است به او تقدیم می کند و زنی که نوازنده چنگ است در مقابل او نشسته و می نوازد^۲.

در چند مهر یک زن و مرد یا زنان و مردان در مقابل عبادتگاه با حرکات موزون در حال پایکوبی دیده می شوند، یا چندین مرد که دستهای یکدیگر را گرفته اند به ردیف و با نظم می رقصند^۳. و چنین بنظر می رسد که ضمن رقص سرودی نیز می خوانند.

نغمه ها یا سرودهای مقدس که جزو آئین مذهبی است به وسیله نوازندگان متخصص اجرا می شد که آشنائی کامل به این آهنگهای ندبه مانند و تضرع آمیز و پرسوز و گداز داشتند تا با این روش نظر خدایان جلب شود. بر قطعات گلی استوانه ای شکلی مکشوفه از «تل هارمل^۴» در بابل

1— P. Amiet G.M.A. p. 119.

2— P. Amiet G.M.A. NO 830.

3— Ibid NO 833,834.

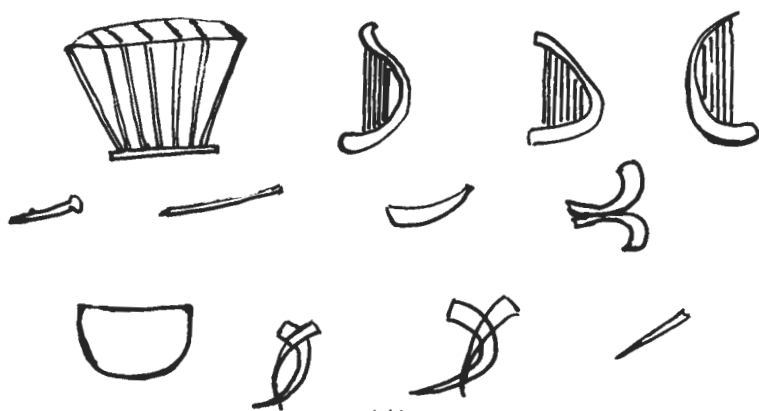
۵— Tell Harmal در نزدیکی بغداد واقع است. از کاوش های صورت گرفته از این تل ماقبل تاریخی، این قطعات گلی بدست آمده است.

نوشته‌هائی نقر است که به نظر می‌رسد نوعی نت یا آهنگ موسیقی باشد.

در نقوش سومری از هزاره سوم پ.م. و مهرهای بابلی هزاره دوم و آشوری هزاره پ.م.، صحنه‌های رزم و بزم و دسته‌های مذهبی ورژه‌های نظامی و جنگی حتی کوچ دادن اسرا، با نوازندگی همراه است. در جهان پس از مرگ نیز جزو وسایل زندگی آلات نوازندگی نیز بوده است. لذا در کاوش‌ها، از گور شاهان، بزرگان و سرداران این دوران، چنگ‌های چوبی مزین به نقوش از قطعات سنگ لاجورد و صدف و مهره‌های سنگی رنگی و چنگ زرین که بدنه آن به شکل نیم تنه گاومیش است و دارای تزئیناتی است و نوع دیگری از چوب که پوششی از ورقه فلز قیمتی دارد کشف گردیده است.^۱ معمولاً این چنگ‌ها دارای هشت یا پنج زه هستند. آلات نوازندگی منقور بر مهرها بسیار متنوعند، مانند انواع چنگ، نی، شیپور، بوق (بشکل شاخ) کرنا، دهل، طبل و قاشقک (ش: ۱۴۶).

1— A. Parrot. Assur p. 298.

2— Ibid. p. 298—299.



۱۴۶

ش: ۱۴۵: انواع تاج و کلاه از هزاره چهارم تا اوایل هزاره اول پ-م.
 ش: ۱۴۶: آلات موسیقی- بربط- چنگ- چنگ با میله های فلزی متحرک. نی
 شاخی دو سره- نی- نی لیک. آلت چوبی یا فلزی (مانند فاشقک). طبل.

ضمیمه

نقوشی که مبین مظاهر مختلف و کنایه‌ای است از قدرتها و همچنین چند طرح از درخت مقدس بر روی تپه و کوه، شاخه درخت، خوشه گندم، درخت میوه و بوته گل. (از هزاره چهارم تا اوایل هزاره اول پ.م). زیر شماره‌های ۱۴۷ تا ۱۵۱۰.

نتیجه

از آنچه در این کتاب در باره مهرهای دوران کهن ایران گفته شد می توان دریافت که این آثار ظریف کننده کاری شده یکی از ذیقیمت ترین و اصیل ترین مدارک و مراجع معرف هنر و اندیشه و عقاید و سنت ها و شیوه زندگی مردم این سرزمین طی قرون متمادی اند.

نقوش مهرها جمله اقدامات و رویدادها و پیشرفتهائی که در زمینه فرهنگ و تمدن مردم فلات ایران در دوران های مختلف از آغاز دوران شهرنشینی کهن به بعد انجام گرفته است جلوه گر می سازد، و می نمایاند که مردم این مرز و بوم چگونه با تلاش روزانه و فعالیت خستگی ناپذیر در آن روزگاران با کمبود وسائل و امکانات توانسته اند بوجهی شایسته و قابل تحسین به کار و کوشش پردازند و در راه رفع نیازمندی های زندگی گامهای مؤثری بردارند. عقاید و آراء در نقش مهرها جای به خصوصی دارند و اعتقادات مذهبی و اندیشه های اساطیری درهم آمیخته شده مجمع خدایان را تشکیل داده اند که هر یک از آنان با قدرت مافوق الطبیعه خود حامی و نگهبان و ضامن تأمین سعادت مردم در دنیا و آخرت هستند.

ارباب و انواع و خدایان و الهه ها با درجات مختلف با مظاهری که پیوسته در کنار آنان به وضع بسیار جالب توجهی دیده می شود، یکی از

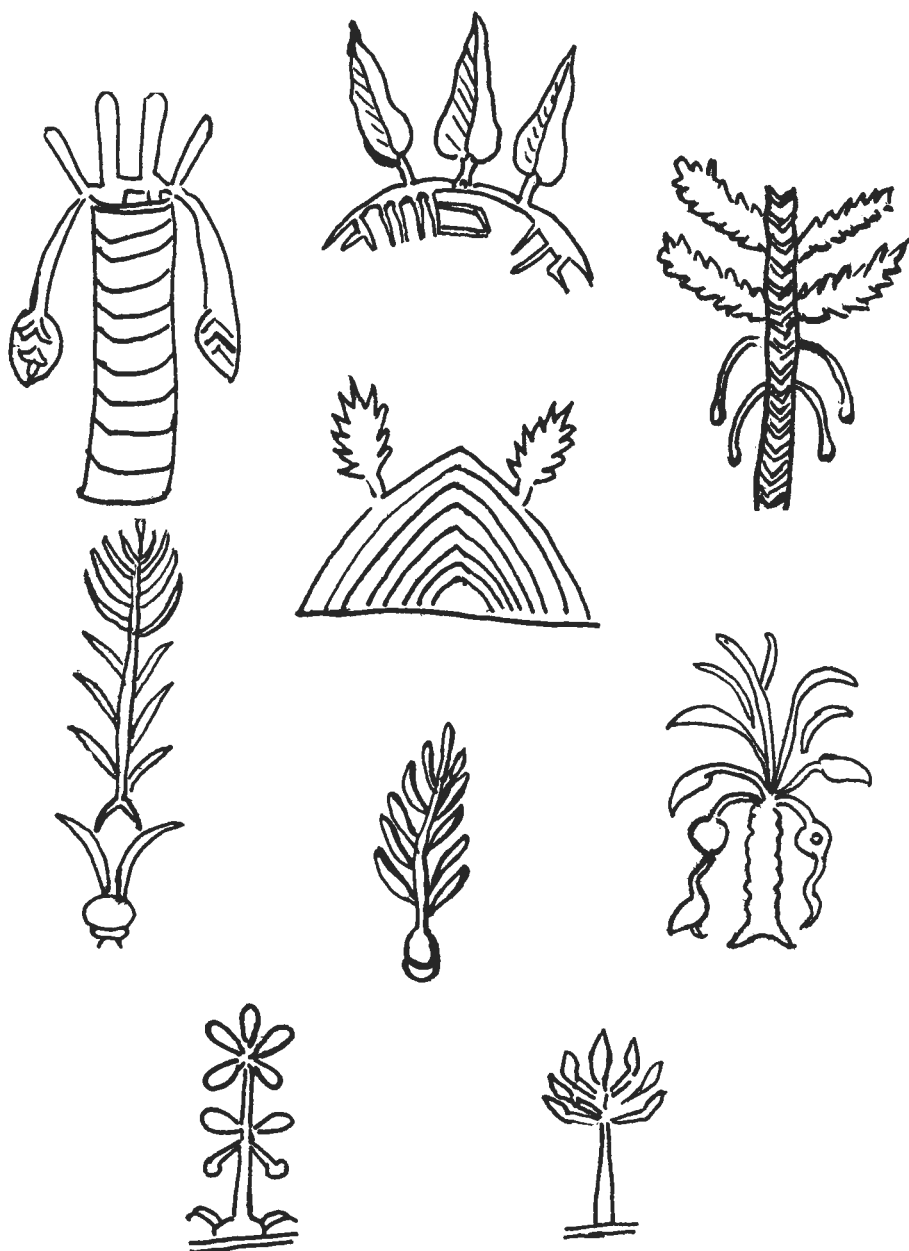


۱۵۰

ش: ۱۵۰. نقش درخت مقدس بر روی تپه، کوه، شاخه درخت خوشه گندم و درخت میوه و گل اوایل هزاره چهارم پ-م.

مهمترین نقوش مهرها را تشکیل می دهند. لذا در زمینه فکری حتی در برخورد اندیشه ها و عقاید اقوام ساکن فلات با همسایگان و تأثیراتی که بر یکدیگر داشته اند در این آثار منعکس است. از مجموع سبک هائی که در کنده کاری نقوش دیده می شود می توان از اتفاقات و حوادث و تغییراتی که بلاانقطاع در اوضاع اجتماعی در دوران های مختلف روی داده است، یا از تحولاتی که در نیازمندیهای جوامع، طی قرون پدید آمده است اطلاع حاصل کرد چنانکه تغییراتی که در آثار تجسمی و سبک کنده کاری مهر در دوره آکاد روی داده است کاملاً محسوس است و می رساند که نوعی تحول فکری بر اثر برخورد اندیشه آکادیها و عیلامی ها روی داده است که در زندگی مادی و معنوی مردمان هر دو منطقه تأثیر فراوان داشته است.

لذا برای شناخت تمدن این دوران سراسر خاموش که بسته گریخته آثار نوشته به جای مانده است، مجموعه مهرها می توانند ما را از بسیاری مسائل پیچیده آن دوران آگاه نمایند. در حقیقت حکاکان به مدد هنر و دقت نظری که در به کار بردن ریزه کاریها و آنچه لازمه آن است در معرفی عقاید و خواسته های صاحب مهر از خود نشان داده اند ما را به شناختن رازهای زندگی مادی و معنوی و آنچه در آن روزگاران می گذشته رهنمون گشته اند و پرده زمان را که گرد اعصار گرفته است کنار زده واقعیت آن را نشان داده اند. به طور کلی این نقوش مهرها اوراقی از تاریخ مدنیت ایران کهن است، حتی استفاده از خط از اهمیت مهرها نکاست. زیرا صحنه های هریک از مهرها نکته ها و رمزها و گوشه هائی از افکار و عقاید تحولات مدنی و وضع مذهبی و اجتماعی آن دوران را بی کم و کاست به وضعی صحیح و کامل نشان می دهد.



۱۵۱

ش: ۱۵۱: طرح درخت مقدس (اواخر هزاره سوم تا اوایل هزاره اول پ-م).

فہرست نام‌ها

آ	آشور بانیپال: ۱۱۴
	آنکی: ۸۸
ا	
ا آ: ۸۸	
اڑی ژی: ۹۹	
اشپوم: ۷۱	
اشمیت: ۱۰۷	
انکیدو: ۷۱	
اورل اشتین: ۲۱	
اونتاش گال: ۸۴، ۶۸	
ایدادو: ۸۷	
اینا ایشتار: ۶۳	
این شوشیناک: ۶۶	
ب	
باراولی: ۱۰۴، ۱۰۳	
پ	
پ. امیہ: ۸۷، ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۶	
پوزواین شوشیناک: ۱۰۵، ۱۸	
چ	
چایلد: ۲۱	
ح	
حاکمی (علی): ۲۲	
د	
دولوگاز: ۳۵	

گ	ژ
گیلگامش: ۶۹، ۷۲، ۷۵، ۹۰، ۱۰۹	ژ. دمرگان: ۱۶
م	س
مانزات (ایشثار): ۱۱۵	سارگن: ۱۷، ۱۸
ملک زاده بیانی: ۶۶، ۱۰۵	سارگن دوم: ۱۲۰
ن	سناخریب: ۱۰۶
نبو: ۱۱۴	سو کالما هوها: ۹۱
بنونید: ۱۱۴	
نرم سین: ۱۰۶	ش
نصرت الله معتمدی: ۱۲	شمس: ۸۲، ۸۳
نگهبان (ع): ۹۴، ۱۰۳، ۱۱۵	شوتروک ناخونده: ۱۰۶
و	شیرین بیانی (اسلامی ندوشن): ۶۳، ۹۱، ۱۰۴
واندنبرگ: ۲۱	شیلهیک این شوشیناک: ۱۰۳، ۱۰۴
ه	ک
هرتسفلد: ۲۱	کوری کالزو: ۱۰۷
هلن کانتور: ۳۵	

فهرست اماکن

ب	آ
بابل: ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۲۷	آذربایجان: ۳۷، ۱۱۷، ۱۲۰
بافت: ۲۲	آرمید: ۱۲۰
بختیاری: ۱۱۳	آشور: ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۰
بغداد: ۱۲۷	آکاد: ۱۷، ۱۸، ۳۹، ۷۲، ۷۳
بلوچستان: ۲۱	
بین النهرین: ۱۶، ۱۸، ۶۵، ۹۸، ۱۰۰	ا
	امریکا: ۲۲
	اور: ۵۲، ۹۸
پ	اورارتو: ۱۱۷
پارسوماش: ۱۱۳	اوروک: ۶۹
پشتکوه: ۱۱	ایران: ۷، ۸، ۱۵، ۱۴، ۱۵، ۳۳
	۸۴، ۹۸، ۱۱۳، ۱۲۹
ت	ایزیرتو: ۱۲۰

خ	تپه حاجی فیروز: ۳۷
خبیص: ۱۵، ۲۲	تپه حصار: ۱۱، ۲۱، ۲۴
خوزستان: ۸، ۱۰۳	تپه گورا: ۱۰۰
	تپه گیان: ۱۱، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۷
د	
دامغان: ۱۰، ۵۸	تپه موسیان: ۲۷، ۱۲۶
دشت لوت: ۲۲	تپه یحیی: ۸، ۱۵، ۲۲، ۲۵، ۳۷
دزفول: ۳۵	۶۷، ۶۸
دلفان: ۵۹، ۶۰، ۱۰۸	تخت جمشید: ۲۱
دمگره پرچینه: ۱۲، ۱۰۷	تل باکون: ۲۱
دورا و نتاش: ۶۸، ۸۴	تل تیموران: ۹۷
دورکوری کالزو: ۱۰۹	تل جری: ۲۱
ده بید: ۲۱	تل هارمل: ۱۲۷
دهلران: ۸	
	چ
ز	چراغ علی تپه: ۱۱۵
زاگرس: ۱۰۵، ۱۱۸	چشمه علی: ۹۷، ۱۲۶
زرین آباد: ۱۱، ۱۰۷	چغازنبیل: ۶۸، ۸۴، ۹۳، ۹۴، ۹۵
زیویه: ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰	۹۶، ۱۱۰
ر	چغامیش: ۸، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۳۶
رضائیه (دریاچه): ۱۱۷، ۱۲۰	۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۷
ری: ۹۷	۵۸، ۶۸، ۱۲۷
س	ح
سراب: ۱۰۰	حسنلو: ۳۷، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹

۱۱۳، ۱۰۴، ۹۱	سرخ دم: ۲۵، ۵۹، ۸۴، ۹۴، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۶
ف	سقز: ۱۱۸
فارس: ۲۱	سکزآباد: ۷۵، ۱۴
فیلا دلفیا: ۱۱۸	سومر: ۵۲، ۱۷، ۱۶
ق	سیستان: ۲۱
قزوین: ۷۵	سیلک: ۸، ۹، ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۵۳، ۵۴، ۶۵، ۶۶
ک	۸۹، ۹۲، ۹۳، ۱۲۶
کاشان: ۸، ۱۱	سیماش: ۸۷
کاشو: ۱۰۵	ش
کردستان: ۱۲۰	شوش: ۱۰، ۱۶، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹
کربان: ۸، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۵	۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷
کرمانشاه: ۱۰۵، ۱۰۰	۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۸
کمال آباد: ۲۱	۵۹، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۳
گ	۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۳
گوهر رود: ۱۱۵	۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۵
ل	۹۹، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰
لرستان: ۱۱، ۱۲، ۵۸، ۶۸، ۷۲	۱۲۳، ۱۲۴
۹۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸	شوشتر: ۱۱۳
م	شهاد: ۱۵، ۲۲، ۲۵، ۶۴، ۶۶
مارلیک: ۹۴، ۱۱۵، ۱۱۹	ع
	عیلام: ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۶۳، ۶۶، ۸۷

تاریخ مُهر در ایران	۱۴۲
ن	مانا: ۱۱۷
نہاوند: ۱۱، ۱۰۱	مال امیر: ۸۶
نینوا: ۱۰۰	مرو دشت: ۲۱
ھ	مکران: ۲۱
ہفت تپہ: ۱۰۳	موزہ ایران باستان: ۹، ۱۵، ۸۴
ہگمتانہ: ۱۰۵	۱۱۸، ۱۰۰
ہمدان: ۱۰۵	موزہ لوور (پاریس): ۵۲
	موزہ مترو پولیتس: ۱۰۹

فهرست منابع

- ۱- مطالعه یک مهر ساسانی و مختصری از تاریخ پیدایش مهر
فصلی از مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی نگارش ملک زاده بیانی
- ۲- تأثیر نقوش مهرها در تاریخ قدیم: کنگره تاریخ فرهنگ ایران
ملک زاده بیانی
- ۳- مهر در تاریخ قدیم ایران: مجله هنر مردم شماره ۸۸
نگارش ملک زاده بیانی
- ۴- رابطه تاریخ با باستانشناسی
نخستین کنگره تاریخ در ایران: از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر
ملک زاده بیانی
- ۵- وضع لباس و تزئینات زنان در ایران قبل از دوره هخامنشی
مجله تلاش شماره ۲۴ سال ۱۳۴۹ نگارش ملک زاده بیانی
- ۶- شاهین نشانه فرایزدی
مجله بررسیهای تاریخی شماره یک سال هفتم نگارش ملک زاده بیانی
- ۷- ایران از آغاز تا اسلام تألیف: گیرشمن ترجمه: دکتر معین
۸- پایتخت های شاهنشاهی ایران
قسمت شوش: نگارش دکتر شیرین بیانی (اسلامی)
- ۹- تاریخ عیلام تألیف پ- آمیه ترجمه دکتر شیرین بیانی (اسلامی)
- ۱۰- باستانشناسی ایران باستان
تألیف: لوئن واندنبرگ: ترجمه دکتر بهنام
- ۱۱- دشت لوت (راهنمای نمایشگاه) خبیص (شهادت): مهندس علی حاکمی

- Des origines aux Achemenides. Nagel 1956.
- Karlovsky (CC.L) xcavation at tèpè Yahya Iran 1976—1969
Harvard University 1970
- Dyson (R.H) Hassanlu and Early Iran 1960
- Schmidt (E) Excavation at Tep Hissèr Damghan
The University Museum- Philadephia 1937
- Langsdorff(A) and Mc. cown (D.E)
Tell— i— Bakun. University of Chicago
Oreital Institute Publication LIX 1942.
- MÉMOIRES DE LA DÉLÉGATIONS ARCHÉOLOGIQUE
FRANCAISE T. XII XXV XXIX XXX
ANCIENT OREITAL SEALS IN THE COLLECTION
OF MRS AGNÉs BALDWIN BRETT
T-XXXVII

- Arthaud 1962
- Godard(A) Tresor de ziwiyè 1950
- Parrot(A) Assur, Gallimard 1961
- Parrot(A) et LAMBERT(M)
Glyptique Mesopotamienne
Paris 1954
- Porada(E) Problème of Interpretation in a cylinder
Seal of the Akkad periode from Iran
Nederlands institut Leiden 1964
- Spycket(A) Une grande deesse elamite retrouvè
san visage revue Syria 1968
- Contenau(G) et CHIRSHMAN(R)
Fouilles de Tepè giyan Paris 1935
- Contenau(A) Manuel d'Archeologie Orientale
T. 1. 2. 3. 4. Paris 1947
- Delaporte(L) Catalogue de Cylindres orientaux
Musee du Louvre Parix 1934
- Francfort(H) Cylindre— Seals
London 1939
- Porada(E) Iran ancien (l'Art dans le monde)
Albin Michel 1963
- Delowgaz(P) and Kantor (H)
New Evidence for the prehistorie and protoliterate
culture development of khusitstan. the memorical
vol. vth International congress, Iranian Art and
Archaeology
- Porada(E) Tchoga Zanbil Memoires de la delegation
archeologique en Iran, la glyptique
- CHIRSHMAN(R)
Fouilles de Sialk V. 1—2
geuthner 1938 et 1939
- HUOT (Jean— Louis) Iran I

فهرست منابع خارجی

- AMIET(P) Glyptique Susienne
Memoires de la delegation Archeologique
en Iran- T-XLII Vol.1.II
geuthner 1972
- Amiet(p) La Glyptique Mesopotamienne archaïque
Paris 1961
- Amiet(P) Representation Antique de constructions
susiennes
Revue d'Assyriologie et d'Archeologie Orientale
1958
- Amiet(P) La Glyptique Syrienne Archaïque
Revue Syria xl 1963
Le Temple ailé
- Amiet(P) Revue d'Assyriologie et d'Archeologie orientale
No 1960
- Amiet(P) Antiquités Susiennes
La revue du Louvre et des musées de
France No—4—5 1965
- Godard(A) L'art de L Iran

آثار دیگر دکتر محمد علی اسلامی ندوشن به صورت کتاب
در زمینه جامعه و فرهنگ

ایران را از یاد نبریم. چاپ نهم
به دنبال سایه همای. چاپ هشتم
فرهنگ و شبه فرهنگ. چاپ سوم
در باره آموزش. چاپ دوم
گفتگوها؛ مصاحبه های مطبوعاتی. چاپ دوم
گفتیم و نگفتیم؛ گزیده نوشته ها

سفرنامه ها

صفیر سیمرغ
در کشور شوراها؛ سفرنامه اتحاد جماهیر شوروی. چاپ دوم
آزادی مجسمه؛ سفر به امریکا. چاپ دوم
کارنامه سفر چین (سفرنامه چین)

در زمینه ادبیات و نقد ادبی

جام جهان بین. چاپ چهارم
آواها و ایماها. چاپ سوم
زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه. چاپ سوم
داستان داستان ها. چاپ دوم
نوشته های بی سرنوشت. چاپ دوم
دیدن دگرآموز، شنیدن دگرآموز؛ گزیده های شعرهای اقبال لاهوری

داستان و نمایشنامه

پنجره های بسته؛ داستان های کوتاه، چاپ دوم
افسانه و افسون؛ داستان بلند، چاپ دوم
ابر زمانه و ابر زلف؛ نمایشنامه. چاپ سوم

ترجمه‌ها

پیروزی آینده دموکراسی. از توماس مان
شورزندگی. از ابروینگ استون. چاپ نهم
ملال پاریس و گل‌های بدی. از بودلر. چاپ دوم
بهترین اشعار لانگ فلو. همراه با متن انگلیسی

در دست انتشار:

آنتونیوس و کلئوپاترا. از شکسپیر ترجمه
روزها؛ سرگذشت

انتشارات یزدان منتشر کرده است:

- ۱- گفتیم و نگفتیم
گزیده نوشته های اجتماعی دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
- ۲- شور زندگی
نوشته ایروینگ استون ترجمه دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
- ۳- زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه
دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
- ۴- کاغذ زر
مجموعه مقالات دکتر غلامحسین یوسفی
- ۵- آنتونیوس و کلئوپاترا
اثر شکسپیر ترجمه دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

انتشارات یزدان منتشر می کند:

- ۱- روانهای روشن
مجموعه مقالات دکتر غلامحسین یوسفی
- ۲- دانشگاههای اسلامی
استاد عبدالرحیم غنیمه- ترجمه دکتر نورالله کسائی
- ۳- سفرنامه خراسان و سیستان
سرهنگ سی ای اف- ترجمه قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری
- ۴- تحفة الغرائب
منسوب به محمد بن ایوب طبری به تصحیح دکتر جلال متینی
- ۵- انقلابات ایران در اواخر صفویه
تألیف هنوی- ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی
- ۶- روزها
تألیف آقای دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

